

فلسفه میرداماد در هندوستان از میانه قرن یازدهم تا پایان قرن دوازدهم هجری قمری (با تکیه بر سنتهای درسی متنی)

حسین نجفی^۱، داود حسینی^۲

چکیده

از میانه قرن پنجم تا قرن چهاردهم هجری قمری، آثار و آراء فیلسوفان ایرانی در محافل علمی شبه‌قاره هند، حضوری پررنگ داشته‌اند. اندیشه فلسفی میرداماد، یکی از نقاط عطف این حضور تاریخی است. آثار و آراء او پس از انتقال به هندوستان، از طریق سنتهای متنی در سراسر شبه‌قاره انتشار یافتند. انتشار این نگاه‌ها و اندیشه‌ها، علاوه بر تکاپویی که در محافل علمی ایجاد کرد، چهره‌های فلسفی هندوستان را در دو صف مخالفان و موافقان میرداماد جای داد و در میان آنان، مباحثاتی دامن‌دار بوجود آورد؛ مباحثاتی درباره «جعل بسیط ماهیت»، «حدوث دهری»، «اقسام هل بسیط»، «شبهه جذر اصم» و... که بر محور کتاب الأفق المبین شکل گرفته‌اند. در این مقاله، ضمن معرفی اجمالی سنتهای متنی در هندوستان، نشان خواهیم داد که فلسفه مدرسی در این سرزمین، از میانه قرن یازدهم تا پایان قرن دوازدهم هـ.ق، دادوستدی عمیق با

۴۷

این مقاله برگرفته از رساله دکتری فلسفه و کلام اسلامی با عنوان «نظریه وجود در فلسفه میرداماد بروایت شارح/منتقدان هندی (بر بنیاد آراء مفسران الأفق المبین در قرن سیزدهم هجری قمری)» در دانشگاه تربیت مدرس است.

۱. دانشجوی دکتری فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران؛ hossein.najafi@modares.ac.ir
۲. دانشیار گروه فلسفه، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛ davood.hosseini@modares.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۹/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۳ نوع مقاله: پژوهشی



DOR: 20.1001.1.20089589.1402.14.2.4.6

اندیشه فلسفی میرداماد داشته است. بدین منظور، چهره‌های شاخص فکری هندوستان طی این دو قرن، معرفی میشوند؛ جایگاه آنها در سنت‌های متنی مشخص میشود؛ ارتباط آنها با اندیشه‌های میرداماد در موضوعات مختلف فلسفی بیان میگردد؛ و سرانجام، گستردگی جغرافیایی حضور اندیشه‌های میرداماد در پهنه شبه‌قاره تحلیل میگردد. در ادامه نشان خواهیم داد که گستردگی این حضور در شبه‌قاره، بسیار بیشتر از آنست که در دوره معاصر تصور شده است. مراد از «هندوستان»، «شبه‌قاره» و «جنوب آسیا» در این مقاله، محدوده تاریخی این سرزمین پیش از سال ۱۹۴۷ میلادی است که جغرافیای کنونی کشورهای هند، پاکستان، بنگلادش، سریلانکا و بخشهایی از افغانستان را دربرمیگیرد.

کلیدواژگان: فلسفه اسلامی در هندوستان، میرداماد، هندوستان، سنت‌های متنی‌درسی، فلسفه مدرسی هندوستان.

مقدمه و بیان مسئله

بگواهی اسناد تاریخی، از میانه قرن پنجم تا قرن چهاردهم هجری قمری، آثار و آراء فیلسوفان ایرانی در محافل علمی هندوستان^۱ حضوری پررنگ داشته‌اند. اندیشه فلسفی میرداماد (ف. ۱۰۴۰ ه.ق.)، یکی از نقاط عطف این حضور تاریخی است. پس از جلال‌الدین دوانی (ف. ۹۰۸ ه.ق.)، میرداماد، دومین فیلسوف نامدار ایرانی است که آثار و آراء او در زمان حیاتش، به محافل علمی شبه‌قاره راه یافت. آشنایی اهل هندوستان با شخصیت وی، علاوه بر تکاپویی که در محافل علمی ایجاد کرد، اندیشمندان آن سرزمین را در دو صف مخالفان و موافقان میرداماد جای داد و در میان آنان، مباحثاتی دامنه‌دار بوجود آورد؛ مباحثاتی که از میانه قرن یازدهم تا اواسط قرن چهاردهم ه.ق. ادامه داشته‌اند.

مسئله اصلی پژوهش پیش‌رو، چگونگی مواجهه اندیشمندان هندی با آثار و آراء فلسفی میرداماد، بلحاظ پراکندگی تاریخی و جغرافیایی و بسآمد موضوعات منطقی، طبیعی و مابعدالطبیعی است. آشکار است که این پرسش، گستره‌ی وسیع از تاریخ فلسفه و کلام اسلامی را در شبه‌قاره دربرگرفته و مسئله‌ی کلان بشمار میرود. در نوشتار حاضر، برآنیم تا با تمرکز بر دوره‌ی خاص از تاریخ علوم عقلی در هندوستان، پاسخی جزئی برای این مسئله کلان ارائه کنیم.

۴۸



برخی محققان بر این باورند که آثار و آراء میرداماد در طول تاریخ مهجور مانده و سهم چندانی در بالندگی و تکاپوی فلسفه اسلامی نداشته‌اند (Corbin, 1964: pp. 462-467)؛ اوجبی، ۱۳۸۳: ۵۹-۶۲؛ موسوی، ۱۳۹۳: ۳۷-۳۸). پاسخ به مسئله پژوهش، این مدعا را با چالشی جدی مواجه خواهد کرد؛ زیرا علاوه بر معرفی حوزه‌ی جدید و ناشناخته برای مطالعات فلسفی و تراثی، نشان می‌دهد که اندیشه‌های میرداماد دست‌کم در جغرافیای هندوستان - یکی از موضوعات اصلی در منازعات و مباحثات علمی بوده‌اند. نخست باید توجه داشت که تاریخ مواجهه اندیشمندان هندی با نگاشته‌ها و اندیشه‌های میرداماد، سه دوره کلی را سپری کرده است:

دوره انتقال که نیمه نخست قرن یازدهم هـ.ق. و بخشی از روزگار حیات میرداماد را در بر می‌گیرد. در این دوره، آثار و آراء وی با واسطه‌های گوناگون، به شمال و جنوب هندوستان منتقل شده و به محافل علمی آن سرزمین راه یافتند. دوره انتقال، طلیعه آشنایی اندیشمندان هندی با میرداماد و اندیشه فلسفی او بشمار می‌رود.

دوره انتشار که نیمه دوم قرن یازدهم تا پایان قرن دوازدهم هـ.ق. را دربرمی‌گیرد. در آغاز این دوره، توجه برخی اندیشمندان هندی در جریان تدوین متون درسی منطق و فلسفه، به دیدگاه‌های میرداماد معطوف گردید. با تأسیس برنامه «درس نظامی»، جایگاه آثار پیش‌گفته، در مدارس علمی تثبیت شد و همین امر، توجه شارحان، محشیان و مدرسان این متون را به آراء میرداماد جلب کرد. بدین ترتیب و بواسطه سنتهای متنی و برنامه درس نظامی، اندیشه فلسفی او در سراسر هندوستان انتشار یافت.

دوره تثبیت که از ابتدای قرن سیزدهم تا اواسط قرن چهاردهم هـ.ق. را دربرمی‌گیرد. در این عصر، برخی آثار میرداماد همچون الأفق المبین - به متن درسی تبدیل شدند و حواشی و شروح گوناگونی بر محور آنها پدید آمد. همچنین، دامنه نزاع بر سر دیدگاه‌های او گسترش یافت و به تک‌نگاریهایی به زبان اردو نیز کشیده شد. دوره تثبیت، عصر ظهور منتقدان و مدافعان جدی میرداماد در محافل علمی هندوستان است.

در مقاله پیش‌رو، با تمرکز بر دوره دوم^۲ و بررسی آثار اندیشمندان هندی در بستر سنتهای متنی، نشان خواهیم داد که فلسفه مدرسی هندوستان، از میانه قرن یازدهم تا پایان قرن دوازدهم هـ.ق.، دادوستدی عمیق با آثار و آراء میرداماد داشته است. اما پیش از

آن، اشاره‌ی کوتاه به جایگاه سنتهای متنی در هندوستان و ارتباط آنها با دیدگاههای میرداماد ضروری است. این مقدمه، بستری فراهم میسازد تا نشان دهیم چگونه آثار و اندیشه‌های میرداماد بطور نظاممند در هندوستان گسترش یافته‌اند.

۱. سنتهای متن محور و انتشار اندیشه میرداماد در هندوستان

تاریخ تعلیم و تعلم در جهان اسلام، با «متن» پیوند خورده است. در تمام رشته‌های علوم، و حتی برخی فنون، برنامه آموزش نظری، به فهم و تفسیر متون درسی اختصاص دارد؛ فرایندی که از آشنایی با جزئیات متن و مقاصد نویسنده آغاز میشود و تا ارائه تفسیرها و نقدهای گوناگون ادامه می‌یابد. متن محوری در نظام تعلیم و تربیت اسلامی، موجب پیدایش سنتهای گوناگون شده است. هریک از این سنتها، بر اساس متنی خاص شکل گرفته و سلسله‌ی از مدرسان، شارحان و محشیان را در محدوده خاص تاریخی یا جغرافیایی دربرمیگیرند.

یکی از حوزه‌های مهم و ناشناخته در تاریخ سنتهای متنی، شبه‌قاره هندوستان است. نگاهی کوتاه به فهرست آثار علوم عقلی در این سرزمین، بخوبی نشان میدهد که اندیشمندان هندی، نگارش شروح و حواشی بر متون سنتی را بر تألیف آثار مستقل و حتی ایجاد سنتهای جدید، ترجیح میداده‌اند. همین امر موجب پیدایش سنتهایی پربار، تناور و ماندگار در شبه‌قاره شده است. سنتهای متنی در هندوستان، دارای دو ویژگی مهم - ولی مغفول - هستند که آنها را از سنتهای متداول در دیگر نقاط جهان اسلام، ممتاز میکنند:

۱. بیشتر اندیشمندان هندی، نوآوریها یا قرائتهای جدید خود از مسائل کلاسیک علوم عقلی را در قالب شرح و حاشیه بر متون درسی و سنتی عرضه کرده‌اند.

۲. بخش فراوانی از آثار پدیدآمده در سنتهای متنی، به بازخوانی، شرح و نقد نظریات چهره‌های مشهور تاریخ علوم عقلی - که خارج از این سنتها قرار دارند - اختصاص دارد.

بر این اساس، مطالعه تاریخ علوم عقلی در هندوستان، بدون توجه به سنتهای متنی، ناقص و احتمالاً ناکام خواهد بود. حیطة پژوهش حاضر نیز از این قاعده مستثنی نیست، زیرا چنانکه خواهیم دید، عمده مواجهه هندیان با آراء و اندیشه‌های میرداماد، در بستر این سنتهای متنی شکل گرفته است.

پیش از معرفی سنتهای مرتبط با میرداماد، ذکر این نکته لازم است که آغاز قرن

دوازدهم هـ.ق.، نقطه عطفی در تاریخ نظام تعلیم و تربیت در هندوستان بشمار می‌رود. در این دوره، نظام‌الدین انصاری سه‌الوی (ف. ۱۱۶۱ هـ.ق.)، بادوام‌ترین برنامه آموزشی را برای حوزه‌های دینی در آن سرزمین بنیان نهاد؛ ساختاری که در طول سه قرن، در بیشتر مدارس علمی هندوستان تداوم یافت و به افتخار او، «درس نظامی» نامیده شد. در این برنامه، متون درسی از آغاز تا سطوح عالی، بنحو دقیق و کاربردی، مطالعه می‌شدند، اما افزایش مهارت و تخصص، بر عهده تلاش و مطالعه مستقل هر فرد گذاشته شده بود (حسینی لکهنوی، ۱۴۰۳: ۱۷-۱۵؛ ثبوت، ۱۳۷۵: ۲۸-۲۷).

با رواج این برنامه فراگیر، تاریخ متون درسی در هندوستان نیز وارد دوره‌ی جدید شد. بطور خاص، در حیطه منطق، فلسفه و کلام، جایگاه برخی از عناوین در بین متون درسی تثبیت شد و حاشیه‌نویسی بر آنها، وسعت و شتاب بیشتری پیدا کرد. در این میان، آثار و سنتهای متنی‌یی که با میرداماد ارتباط دارند، عبارتند از:

۱-۱. شرح العقائد العزضية

شرح مفصل جلال‌الدین دوانی بر رساله مختصر العقائد، اثر عضدالدین ایجی (ف. ۷۵۶ هـ.ق.)، یکی از متون محوری در آموزش کلام اسلامی در هندوستان است. این شرح، یکی از متون درس نظامی بوده و سنتی پربرابر ایجاد کرده است (ثبوت، ۱۳۷۵: ۳۲)؛ چنانکه از میان حدود پنجاه حاشیه بر شرح العقائد، بیش از بیست حاشیه به اندیشمندان هندی تعلق دارد (Ahmad, 1946: pp. 322-331؛ حبشی، بی تا: ۲ / ۱۳۶۸-۱۳۷۴؛ حسینی لکهنوی، ۱۴۰۳: ۲۳۶-۲۳۵). برخی محشیان متقدم این کتاب، در حاشیه مبحث حدوث و قدم، به نظریه حدوث دهری میرداماد اشاره کرده و توجه حاشیه‌نگاران بعدی را برانگیخته‌اند.

۲-۱. شرح الهدایة الأثریة

شرح ملاصدرای شیرازی (ف. ۱۰۴۵ هـ.ق.) بر الهدایة فی الحکمة نگاشته‌اشیرالدین ابهری (ف. ۶۶۳ هـ.ق.)، یکی از سنتهای متنی تنومند را در هندوستان شکل داده است. شرح الهدایة از نیمه دوم قرن یازدهم هـ.ق. به حوزه‌های جنوب آسیا راه یافت و چندی بعد، در زمره متون درس نظامی قرار گرفت (ثبوت، ۱۳۷۵: ۳۰). اندیشمندان هندی، بیش از هفتاد حاشیه خرد و کلان، بر شرح الهدایة نگاشته و در خلال این حواشی، به اختلاف نظرهای ملاصدرا با میرداماد در

مباحث گوناگون پرداخته‌اند (حسنى لکهنوى، ۱۴۰۳: ۲۶۸-۲۶۷؛ ثبوت، ۱۳۷۸: ۲۴۰-۲۲۴).

۱-۳. الشمس البازغة

الشمس البازغة عنوان شرحی است که ملامحمود جون پوری (ف. ۱۰۶۲ هـ.ق.) بر اثر فلسفی خود، الحکمة البالغة نگاشته است. الشمس البازغة از همان زمان تألیف، توجه اندیشمندان شبه‌قاره را جلب کرد و بعدها در برنامه درس نظامی، در جایگاه متن درسی حکمت قرار گرفت (ثبوت، ۱۳۷۵: ۳۱)؛ از اینرو، تعداد بسیاری از اندیشمندان هندی به شرح و تحشییه این کتاب همت گمارده و حدود بیست حاشیه به زبانهای عربی و اردو، بر محور آن نگاشته‌اند (Ahmad, 1946: pp. 357-361؛ حسنى لکهنوى، ۱۴۰۳: ۲۶۷). این کتاب بسبب اشتغال بر نقد حدوث دهری، طلیعة حضور نام و اندیشه میرداماد در تاریخ سنتهای متنی هندوستان بشمار میرود.

۱-۴. الزواهد الثلاثة

میرزاهد هروی (ف. ۱۱۰۱ هـ.ق.)، چهره‌ی شاخص در میان بنیانگذاران سنتهای متنی در هندوستان بشمار میرود؛ او با نگارش حاشیه الرسالة القطبية، حاشیه شرح المواقف و حاشیه شرح التهذيب، تحولی شگرف و گسترده در متون درسی علوم عقلی ایجاد کرده است. این سه اثر که با عنوان الزواهد الثلاثة شهرت دارند، در زمره کتب بالینی طالبان علم در هندوستان بوده‌اند. هروی در هر سه اثر، دیدگاههای خاص میرداماد را کم‌وبیش مورد توجه قرار داده و بدین ترتیب، گسترده‌ترین سنت متنی هندوستان را با اندیشه‌های او پیوند داده است.

الف) حاشیه الرسالة القطبية

الرسالة المعمولة فی التصور و التصدیق، یکی از تک‌نگاریهای مشهور قطب‌الدین رازی (ف. ۷۱۶ هـ.ق) است که در محافل شبه‌قاره به الرسالة القطبية شهرت یافته است. برخی اندیشمندان هندی به شرح و تحشییه الرسالة القطبية پرداخته‌اند؛ از جمله میرزاهد هروی، که مشهورترین حاشیه را بر این رساله نگاشته است. حاشیه الرسالة القطبية در زمره متون درسی سطوح عالی منطق بوده (ثبوت، ۱۳۷۵: ۳۰) و پرحاشیه‌ترین اثر میرزاهد هروی بشمار میرود؛ چنانکه بیش از پنجاه‌وپنج حاشیه و حاشیه حاشیه بر آن نگاشته شده است

۵۲



سال ۱۴، شماره ۲
پاییز ۱۴۰۲

(حسنی لکهنوی، ۱۴۰۳: ۲۵۸-۲۵۹؛ هروی، ۱۴۲۰: ۴۰-۵۰).

ب) حاشیه شرح المواقف

شرح میرسیدشریف جرجانی (ف. ۸۱۶ هـ.ق) بر کتاب المواقف، اثر عضدالدین ایجی (ف. ۷۵۶ هـ.ق)، یکی از متون کلیدی در تاریخ کلام اسلامی است. «موقف دوم» شرح المواقف که به «امور عامه» اختصاص دارد، متن درسی علم کلام در حوزه‌های سنتی شبه‌قاره بوده است. حواشی میرزاهد هروی بر مباحث این بخش، مهم‌ترین و مشهورترین حاشیه شرح المواقف در هندوستان بشمار میرود؛ چنانکه در برنامه درس نظامی، متن آموزشی کلام بوده (ثبوت ۱۳۷۵: ۳۲) و اندیشمندان هندی، بیش از بیست حاشیه و حاشیه حاشیه بر این اثر نگاشته‌اند (Ahmed 2020: pp. 400-410; Ahmad, 1946: pp. 331-341; حسنی لکهنوی، ۱۴۰۳: ۲۳۷-۲۳۸).

ج) حاشیه شرح التهذیب

تهذیب المنطق و الکلام، اثر سعدالدین تفتازانی (ف. ۷۹۲ هـ.ق)، درس‌نامه‌ی کامل و مختصر در علم منطق و کلام است. این رساله از متون درسی مشهور در حوزه‌های سنتی جهان اسلام بحساب می‌آید که شروح و حواشی متعددی بر آن نگاشته شده است؛ از جمله شرح جلال‌الدین دوانی بر بخش منطق، که در اندک‌زمانی پس از تألیف، به محافل علمی شبه‌قاره راه یافت و به متن درسی منطق تبدیل شد. مشهورترین حاشیه در این سنت، به میرزاهد هروی تعلق دارد که یکی از شاخه‌های تنومند حاشیه‌نویسی بر شرح‌التهذیب را پرورش داده و بیش از سی حاشیه بر محور آن پدید آمده است (El-Rouayheb, 2019: pp. 180-182; Ahmad, 1946: pp. 360-377; حسنی لکهنوی، ۱۴۰۳: ۲۵۷-۲۵۸).

۵-۱. سلم‌العلوم

سلم‌العلوم، اثر محب‌الله بهاری (ف. ۱۱۱۹ هـ.ق)، یکی از متون اساسی در محافل علمی جهان اسلام بویژه هندوستان است. محب‌الله بهاری با تألیف سلم‌العلوم، دیرپاترین و گسترده‌ترین سنت متنی منطق را در هندوستان پدید آورد. این اثر در درازای بیش از دوپست سال، پیوسته متن درسی بوده و هم‌اکنون نیز در برخی حوزه‌های هند کنونی و پاکستان تدریس

حسین نجفی، داود حسینی؛ فلسفه میرداماد در هندوستان؛ از میانه قرن یازدهم تا پایان قرن دوازدهم...



میشود (El-Rouayheb, 2019: p. 183). بهمین دلیل، بیش از نود شرح، حاشیه و حاشیه حاشیه بر محور آن نگاشته شده است (Ahmed, 2013: p. 321؛ حسنی لکهنوی، ۱۴۰۳: ۲۶۱-۲۵۹). بهاری در تدوین این اثر، به نظریات فلسفی و منطقی میرداماد توجه داشته و بدین ترتیب، گسترده‌ترین سنت منطقی شبه‌قاره را با نام و اندیشه او پیوند داده است.

۲. مواجهه با میرداماد در سنتهای متنی؛ از میانه قرن یازدهم تا پایان قرن دوازدهم هجری قمری

در بخش پیش‌رو، شارحان، مدافعان و منتقدان هندی میرداماد، در نسبت با سنتهای متنی و با ترتیبی تاریخی معرفی خواهند شد؛^۳ اما پیش از آن، ذکر چند نکته درباره روش گردآوری و ارائه این اطلاعات ضروری است.

نویسندگان برای تدوین این بخش، علاوه بر مراجعه به تذکره‌ها و منابع تاریخی، حدود چهل اثر از چهره‌های متصل به سنتهای متنی را در قالب نسخه‌های خطی و کتب چاپ‌سنگی، از کتابخانه‌های گوناگون ایران، هند، پاکستان و انگلستان، گردآورده و بدقت بررسی کرده‌اند. در نتیجه این بررسیها، مجموعه‌یی از گزارشهای زیست‌نگاشتی و نمایه‌یی از بسامد مواجهه شخصیت‌های تاریخی با میرداماد فراهم آمده است. این اطلاعات حجیم و پراکنده، پس از ویرایش و تنظیم، در قالب مداخل متسلسل و نمودارهای تکمیلی ارائه میشود.

۲-۱. ملامحمود جون‌پوری

ملامحمود جون‌پوری (ف. ۱۰۶۲ هـ.ق.)، فقیه شهیر حنفی و فیلسوف برجسته هندی، در قرن دهم و یازدهم هـ.ق. است (آزادبلگرامی، ۲۰۱۵: ۱۳۵-۱۱۷؛ حسنی لکهنوی، ۱۴۲۰: ۵ / ۶۴۵-۶۴۶؛ راهی، ۱۹۷۸: ۲۴۶-۲۴۲). بنا بر گزارش برخی محققان، او در سفر اصفهان، درباره حدوث دهری و حدوث زمانی - که خود به آن معتقد بود - با میرداماد مباحثه کرد، اما اختلافش با میر در اینباره حل نشد. پس از این ملاقات، جون‌پوری به هندوستان بازگشت و بر کتاب خود، الحکمة البالغة شرحی با عنوان الشمس البازغة فی شرح الحکمة البالغة نگاشت (عباس رضوی، ۱۳۶۰: ۳۶-۳۵). او در این شرح، با احترام بسیار از میرداماد یاد کرده و او را با عنوان «بعض خیرة اللاحقین بالمهرة السابقین» ملقب

کرده است. جون پوری بر اساس تحلیل ویژگیهای زمان، نظریهٔ حدوث دهری را بتفصیل نقد کرده و با دیدگاه میرداماد دربارهٔ حرکت توسطیه و قطعیه نیز مخالفت ورزیده است (جون پوری، ۱۳۰۸: ۶۷؛ ۱۴۳-۱۳۵؛ Rizvi, 2011: pp. 18-20). ابراز این انتقادها، جون پوری را به حلقهٔ آغازین منازعات دربارهٔ آراء فلسفی میرداماد در شبه‌قاره تبدیل کرد. حکایت دیدار جون پوری با میرداماد، سند تاریخی محکمی ندارد، اما از متن الشمس البازغة برمی‌آید که او با نظریات میر و کتاب الأفق المبین بخوبی آشنا بوده است. چنانکه گذشت، الشمس البازغة یکی از سنتهای مهم متنی در شبه‌قاره بشمار میرود؛ سنتی که یکی از مباحث اصلی آن، دیدگاههای فلسفی میرداماد بویژه نظریهٔ حدوث دهری- است.

۲-۲. میرزاهد هروی

میرزاهد هروی (ف. ۱۱۰۱ هـ.ق.)، یکی از منطقدانان و فیلسوفان مشهور شبه‌قاره است که گسترده‌ترین سنت متن‌محور را در آن سرزمین بوجود آورده است. نگاشته‌های او بویژه سه‌گانهٔ موسوم به الزواهد الثلاثة- در یک بازهٔ تاریخی و جغرافیایی گسترده، در زمرهٔ متون درسی منطق و فلسفه بوده‌اند (آزادبلگرامی، ۲۰۱۵: ۱۳۷-۱۳۴؛ حسنی لکهنوی، ۱۴۲۰: ۶ / ۷۱۷-۷۱۸؛ راهی، ۱۹۷۸: ۲۳۷-۲۳۴). از مطالعهٔ آثار هروی برمی‌آید که او با نگاشته‌های میرداماد بویژه الأفق المبین، القبسات و تقویم‌الإیمان- بخوبی آشنا بوده است. مواجههٔ میرزاهد با میرداماد، چندان با تواضع و ارادت همراه نیست؛ چنانکه از او با تعبیری همچون «بعض الأفاضل» و «بعض المصنفین من المتأخرین» یاد کرده است. هروی در مواضع گوناگونی از آثار خود، بتصریح یا تلویح، به دیدگاههای میرداماد اشاره نموده است؛ برای نمونه، در حاشیهٔ الرسالة القطیبة، نظر او را دربارهٔ «معانی علم حصولی»، «رابطهٔ عدم معلول با عدم علت» و «پاسخ به اشکال مشهور وجود ذهنی» نقل و نقد کرده است (هروی، ۱۴۲۰: ۹۳-۹۲ و ۱۱۰-۱۰۹). همچنین، در تعلیقات این حاشیه، با دیدگاه میرداماد دربارهٔ «مراتب تقرر و موجودیت» و اقسام «هل بسیط» مخالفت کرده است (همان: ۱۲۵-۱۲۳). برخی از این نقدها و اشارات، در دو اثر دیگر میرزاهد، حاشیهٔ شرح المواقف و حاشیهٔ شرح التهذیب، نیز تکرار شده‌اند (همو، ۱۲۹۳: ۳۵؛ همو، ۱۳۰۵: ۱۱۴-۱۱۵). بدین ترتیب و بواسطهٔ آثار هروی، دیدگاههای میرداماد به یکی از جریانهای



سترگِ متن محور در هندوستان راه یافته‌اند.

۳-۲. محب‌الله بهاری

محب‌الله بهاری (ف. ۱۱۱۹ هـ.ق.)، منطق‌دان، فیلسوف و فقیه شهیر حنفی در سده‌های یازدهم و دوازدهم هـ.ق. است که او را هم‌تراز فارابی و ابن‌سینا دانسته‌اند (حسنی لکهنوی، ۱۴۰۳: ۲۶۴-۲۶۵). عمده شهرت بهاری، مرهون تألیف متون درسی منطق، فلسفه و اصول فقه است که در حوزه‌های علمی شبه‌قاره هندوستان و دیگر نقاط جهان اسلام متداول بوده و هست (آزادبلگرامی، ۲۰۱۵: ۱۴۸-۱۴۹؛ حسنی لکهنوی، ۱۴۲۰: ۱۶/۷۹۳؛ راهی، ۱۹۷۸: ۲۱۴-۲۱۰). محب‌الله بهاری در نگارش آثار منطقی و فلسفی خود، از تألیفات حکمای ایرانی-بویژه میرداماد- بسیار بهره برده و بقولی، حتی در نامگذاری آثار خویش نیز از او پیروی کرده است (راهی، ۱۹۷۸: ۲۱۴-۲۱۰). البته این اثرپذیری، به سبک نگارش و ادبیات بهاری محدود نمی‌شود، بلکه در محتوای آثار او نیز ارتباط بینامتنی نیرومندی با نگاشته‌های میرداماد وجود دارد. چنانکه گذشت، در میان آثار بهاری، کتاب سلم‌العلوم جایگاهی ویژه داشته و گسترده‌ترین سنت متنی منطق را در شبه‌قاره هندوستان پرورش داده است. علاوه بر اقتباس‌های بهاری از متن الأفق‌المبین، دیدگاه‌های او در مباحثی همچون «اقسام مطالب»، «متعلق تصدیق» و شبهه «جنر اصم» (بهاری و گوپاموی، ۱۸۸۷: ۱۵۸-۱۵۷)، توجه شارحان سلم‌العلوم را به آراء خاص میرداماد جلب نموده، چنانکه ذیل این سنت متنی، ادبیاتی گسترده درباره میرداماد بوجود آمده است (ندوی، ۱۹۷۰: ۲۲۲ و ۲۳۶).

۴-۲. امان‌الله بنارسی

امان‌الله بن نورالله بنارسی (ف. ۱۱۳۳ هـ.ق.)، از اندیشمندان شهیر هندوستان و حافظان قرآن در قرن دوازدهم هـ.ق. است که از چهره‌های جامع معقول و منقول بشمار می‌رود (آزادبلگرامی، ۲۰۱۵: ۱۴۹؛ حسنی لکهنوی، ۱۴۲۰: ۱۶/۷۰۰؛ خان، ۱۹۹۶: ۲۱-۲۰). بر اساس گزارش‌های تاریخی، میان بنارسی و محب‌الله بهاری مباحثاتی دامنه‌دار در مباحث فقهی، اصولی، فلسفی و منطقی جریان داشته است. برخی محققان بر این باورند که بهاری در فضای این مناظرات، با الأفق‌المبین و دیدگاه‌های میرداماد آشنا شده است (Ahmed, 2022: p. 12). بنارسی نویسنده‌ی پرکار بوده، اما برخی نگاشته‌های او از بین

۵۶



سال ۱۴، شماره ۲
پاییز ۱۴۰۲

رفته‌اند و نسخه‌یی از آنها در دست نیست؛ از جمله رسالهٔ محاکمة بین صاحب الأفق المبین و صاحب الشمس البازغة فی الحدوث الدهری که بقصد داوری میان میرداماد و محمود جونپوری دربارهٔ نظریهٔ حدوث دهری نگاشته شده است. اکثر مورخان و تذکره‌نویسان، از انتساب این اثر به امان‌الله سخن گفته‌اند، اما هیچیک به محتوای محاکمه و روش بنارسی اشاره نکرده‌اند. بهمین دلیل، نمیدانیم که او سرانجام، جانب کدامیک از طرفین نزاع را گرفته و آیا نظریهٔ میرداماد را پذیرفته یا خیر. با اینهمه، مسلم است که بنارسی سرحلقهٔ محاکمان در نزاع جونپوری و میرداماد بر سر نظریهٔ حدوث دهری است؛ رویکردی که بعدها، از سوی برخی محشیان الشمس البازغة همچون محمدحسن سهالوی (ف. ۱۱۹۹ هـ. ق.)- دنبال شده است.

۲-۵. نظام‌الدین انصاری سهالوی

نظام‌الدین بن قطب‌الدین سهالوی (ف. ۱۱۶۱ هـ. ق.)، اندیشمند پرآوازهٔ هندی و بنیانگذار برنامهٔ درس نظامی و مدرسهٔ «فرنگی‌محل» در لکهنو است (آزادبلگرامی، ۲۰۱۵: ۱۷۶-۱۷۷؛ حسنی لکهنوی، ۱۴۲۰: ۶/ ۸۵۲-۸۵۱؛ راهی، ۱۹۷۸: ۱۷-۱۳). چنانکه پیشتر گذشت، درس نظامی نقطهٔ عطفی در تاریخ تعلیم و تعلم علوم اسلامی-بویژه دانشهای عقلی- بشمار می‌رود. نظام‌الدین برخی متون علوم عقلی همچون شرح‌الهدایة الشمس البازغة الزواهد الثلاثة و سلم‌العلوم- را در جایگاه متن درسی منطق و فلسفه قرار داد و سنتهای مبتنی بر این متون را تحکیم بخشید. افزون بر این، او خود در شمار محشیان شرح‌الهدایة و الشمس البازغة بوده و با سنتهای متن‌محور مرتبط است. وی در بیشتر آثار کلامی و فلسفی خویش، به آراء میرداماد توجه کرده و از او با عناوینی همچون «مشید أركان الحكمة»، «باقرالعلوم» و «قالع أبواب المفسدة» و... یاد کرده است. نظام‌الدین سهالوی در مباحثی همچون «شمار مقولات»، «جعل»، «حدوث دهری» و... دیدگاههای میرداماد را مورد توجه قرار داده؛ برخی از آنها را نقد، و برخی دیگر را تأیید کرده است (سهالوی، نظام‌الدین محمد، ۱۳۱۴: ۳۱، ۴۱، ۸۷، ۹۲-۹۱ و ۱۰۳؛ همو، ۱۱۷۴: پ۱۳/ ۲۲/ ۱۰۹). علاوه بر این، او از معدود افرادی است که تلازم منطقی/ مابعدالطبیعی دیدگاه میرداماد را دربارهٔ جعل با نظریهٔ حدوث دهری بررسی کرده‌اند (همو،



بی تا: ۲۸ / ۷۹). بر همین اساس، سهم نظام‌الدین سهالوی در انتشار آثار و آراء میرداماد در هندوستان، چشمگیر و انکارناپذیر است.

۲-۶. حمدالله سندیلوی

حمدالله سندیلوی (ف. ۱۱۶۰ هـ.ق.)^۴ از اندیشمندان نامدار و مدرسان پرکار علوم معقول در هندوستان است. او شاگرد نظام‌الدین سهالوی بوده و از نخستین تربیت‌یافتگان درس نظامی بشمار می‌رود. او همچنین، مدرسه «منصوریه» را در سندیله بنا نهاد که پس از لکهنو، دومین کانون درس نظامی در هندوستان است (حسنى لکهنوی، ۱۴۲۰: ۱۶/۷۱۶؛ راهی، ۱۹۷۸: ۹۶-۹۷؛ ثبوت، ۱۳۸۰: ۵۹-۶۰). حمدالله بدلیل نگارش حواشی مفصل بر شرح الهدایة الشمس البازغة و سلم العلوم، با سه سنت عریق متنی در هندوستان پیوند یافته است. ویژگی چشمگیر در حواشی او، توجه به اقتباسهای نگارندگان از اندیشمندان پیشین است؛ بهمین دلیل، درباره تأثر محمود جون‌پوری و محب‌الله بهاری از آثار و آراء میرداماد، نکاتی مفید عرضه کرده که در نوع خود کم‌نظیرند. سندیلوی در آثار خود، از میرداماد با عناوینی همچون «خیر اللحقه بالمهرة السابقین»، «السید المحقق»، «السید الباقر» یاد کرده و ضمن طرفداری از نظریه «حدوث دهری»، آراء میر را درباره «شمار مقولات»، «معنای وجود»، «شبهه استلزام»، «جهات قضایا» و... بررسی و احیاناً نقد کرده است. همچنین، به نقدهای برخی معاصران خود بر دیدگاههای میرداماد نیز اشاره کرده و به آنها پاسخ داده است (سندیلوی، حمدالله، ۱۳۲۸: ۱۷-۱۸، ۴۲، ۶۸-۶۹ و ۱۰۹-۱۰۴؛ همو، بی تا/الف: ۳۲ / ۴۹، پ ۱۰۷؛ همو، بی تا/ب: پ ۳۱۰ / ۳۲۹، ۳۳۲). حمدالله سندیلوی با آثار میرداماد ارتباط و انس فراوان داشته و در نگارش خود نیز از ادبیات او تأثیر پذیرفته است.

۲-۷. محمدامجد قنوجی

محمدامجد قنوجی (زنده در ۱۱۶۱ هـ.ق.)، از اندیشمندان گمنام شرق هندوستان در قرن دوازدهم هـ.ق. است (حسنى لکهنوی، ۱۴۲۰: ۱۶ / ۸۰۷). تنها اثر باقیمانده از وی، مجموعه حواشی شرح الهدایة است. از مرور این حواشی برمی‌آید که وی مجلس درس گرمی داشته و آثاری دیگر نیز تألیف کرده است که بدست ما نرسیده‌اند. او در مواضع

گوناگون این حواشی، به اختلاف نسخ شرح الهدایة اشاره کرده و ضبطهای ناصحیح را بازنموده است. این مطلب نشان میدهد که در روزگار حیات قنوجی، متن شرح الهدایة سنتی وسیع و فراگیر بوده و تبارهای گوناگون در استنساخ آن پدید آمده بود (ثبوت، ۱۳۸۰: ۲۳). قنوجی در آغاز این حواشی، تصریح کرده که در بسط و تقریر دیدگاههای ملاصدرا، از متن «کتب کبار» بهره برده است. یکی از منابع او در نگارش این حواشی، آثار میرداماد بوده؛ از جمله الأفق المبین، تقویم الإیمان و بیش از همه، الإیاضات. قنوجی با احترام بسیار از میر یاد کرده و او را «باقر العلماء» نامیده است. او در مباحثی همچون «جنسیت عرض»، «حمل»، «وجود دهری»، «اقسام حادث زمانی» و... به دیدگاههای میرداماد اشاره نموده و برخی از آنها را نقد کرده است (قنوجی، ۱۳۴۷: پ ۲۳ / پ ۳۱ / ر ۴۳). برغم گمنامی، محمدمجد قنوجی یکی از نقاط عطف تاریخی در مواجهه با میرداماد بشمار میرود، زیرا حسب جستجوی ما، نخستین چهره‌یی است که به کتاب الإیاضات توجهی محوری داشته است.

۸-۲. محمدمبارک گوپاموی

قاضی محمدمبارک گوپاموی (ف. ۱۱۶۲ ه.ق.)، یکی از چهره‌های برجسته در تاریخ علوم عقلی در هندوستان است. وی یکی از مدرسان و محشیان پرکار در حوزه علوم عقلی بوده و بدلیل نگارش شرحی دقیق و مفصل بر سلم العلوم و حاشیه بر دو اثر میرزاهد هروی، حاشیة شرح المواقف و حاشیة شرح التهذیب، به سنتهای عریق متن محور در هندوستان متصل میشود (حسنی لکهنوی، ۱۴۲۰: ۶ / ۷۹۲؛ راهی، ۱۹۷۸: ۲۳۸-۲۴۱؛ ثبوت، ۱۳۸۰: ۵۰). گوپاموی از سه جهت نقطه عطف تاریخی در این تحقیق محسوب میشود: نخست اینکه، او محکمترین سنت فرعی مبتنی بر سلم العلوم را ایجاد کرده است. شرح وی بر متن بهاری، در برخی حوزه‌های شبه‌قاره و خارج از آن همچون شمال آسیا- متن درسی بوده و چندین شرح و حاشیه پیرامون آن پدید آمده است. دوم اینکه، بسامد توجه به اندیشه‌های میرداماد در نگاشته‌های گوپاموی، بنحوی چشمگیر بیش از دیگران است. او با القابی همچون «المعلم الأول للحكمة الیمانية»، «سید الحکماء» و... از میر یاد کرده و طیفی وسیع از آراء او را مورد توجه و نقد قرار داده است (بهاری و



گوپاموی، ۱۸۸۷: ۱۴، ۴۷-۴۹، ۶۱، ۱۲۱، ۱۷۱ و ۲۰۳-۲۰۱؛ گوپاموی، محمدمبارک، ۱۱۸۸: پ ۴/ ۳۵/ ۵۸؛ همو، بی تا: پ ۹؛ بهمین دلیل، تمام محشیان و شارحان آثار قاضی مبارک، کموبیش درباره دیدگاههای میرداماد سخن گفته‌اند. سوم اینکه، او نخستین فردی است که در بازخوانی دیدگاههای میرداماد، از کتاب التقدیسات بنحوی دقیق و کامل بهره برده است.

۹-۲. احمد عبدالحق سهالوی

احمد عبدالحق سهالوی (ف. ۱۱۶۷ ه.ق.)، برادرزاده نظام‌الدین سهالوی و از نسل نخست تربیت‌یافتگان درس نظامی است. او بسبب نگارش حواشی بر مجموعه الزواهد الثلاثة و تألیف شرحی مبسوط بر سلم‌العلوم با نام سُدَّة‌العلوم، با سنتهای بومی شبه‌قاره هندوستان، پیوندی همه‌جانبه برقرار کرده است (حسنی لکهنوی، ۱۴۲۰: ۶/ ۶۹۵). خصیصه چشمگیر در آثار احمد عبدالحق سهالوی وفاداری کامل او به متن است؛ بطوریکه بدون خروج از چارچوب مباحث، توجه خود را بر شرح مقاصد مآتن معطوف میدارد. بهمین دلیل، بسآمد ارجاع به منابع بیرونی از جمله آثار میرداماد در نگاشته‌های وی، بسیار اندک است. در عین حال، احمد عبدالحق با تأثر از ادبیات عمومی خویش، از میرداماد با القابی ستایش‌آمیز همچون «بحر العلم» و «العلم المتین» یاد کرده و در مباحثی همچون ملاک صدق، جهت قضایا، شبهه «استلزام» و حدوث دهری، به دیدگاههای او اشاره کرده و برخی از آنها را نقد کرده است (سهالوی، احمد، ۱۲۴۲: پ ۸۵/ ۹۷/ ۱۵۷؛ همو، بی تا: ر ۷۱/ ۸۴). مواجهه احمد عبدالحق سهالوی با میرداماد از دو حیث حائز اهمیت است: نخست آنکه، او در شرح دیدگاههای میرداماد، از آثار برخی شاگردان هندی او بهره برده؛ دوم آنکه، در برخی مواضع همچون مبحث جعل- بدون اشاره به نام میرداماد، آراء وی را تقریر و بررسی کرده است.

۶.

۱۰-۲. عبدالرحمن رحمانی

عبدالرحمن رحمانی اله‌آبادی (قرن ۱۲ ه.ق.)، یکی از اندیشمندان ناشناخته شرق هندوستان در قرن دوازدهم ه.ق. است. در هیچیک از منابع متداول تراجم، نام و نشانی از او بچشم نمیخورد و تنها مرجع برای بازشناسی جزئیات حیات وی، گزارشهای پراکنده



فرزندش، محمدبرکت اله‌آبادی (ف. پیش از ۱۱۹۴ هـ. ق)، است. تنها اثر برجای‌مانده از عبدالرحمن رحمانی، حواشی او بر شرح العقائد العزیدیه است که یکی از نگاشته‌های مهم در این سنت متنی بشمار می‌آید. این حواشی ناتمام، یکی از مصادیق مواجهه کلامی و جدی با میرداماد است. رحمانی در مواضع فراوانی از این حواشی، مبانی و لوازم نظریه حدوث دهری از جمله اقسام تقدم و تأخر، زمان، دهر و سرمد، وجود دهری و تقریر میر از نظریه مثل افلاطونی- را بررسی و نقد کرده است. او در مخالفت با نظریه حدوث دهری، تا حد بسیاری تحت‌تأثیر انتقادهای ملامحمود چون‌پوری بوده؛ چنانکه خود نیز به این مطلب تصریح کرده است. بر همین اساس، میتوان عبدالرحمن رحمانی را با سنت متنی الشمس‌البازغة نیز مرتبط دانست. وی بر این باور است که نظریه میرداماد با آموزه‌های کلام اسلامی در بحث حدوث، سازگاری نداشته و در تبیین منسجم و منطقی فرایند خلقت، موفق نیست. رحمانی همچنین، دیدگاه میرداماد درباره جمع نظر افلاطون و ارسطو در مورد حدوث عالم را مردود دانسته است (رحمانی، بی‌تا: ۴۸/ پ ۵۹/ پ ۹۷).

۱۱-۲. کمال‌الدین سهالوی

کمال‌الدین سهالوی (ف. ۱۱۷۵ هـ. ق)، یکی از شخصیت‌های اصلی در نسل نخست مدرسان درس نظامی است. او از شاگردان نظام‌الدین انصاری بوده و بسیاری از چهره‌های برجسته حکمت و منطق، در محضر او دانش اندوخته‌اند. کمال‌الدین با نگارش حاشیه بر شرح العقائد العزیدیه، شرح‌الهدایة، حاشیه شرح التهذیب و سلم‌العلوم، با سنت‌های متن‌محور ارتباطی وثیق پیدا کرده است (حسینی لکهنوی، ۱۴۲۰: ۱/ ۶-۷۸۹-۷۹۰)؛ اما مواجهه او با میرداماد، بیش از آنکه در پیوند با سنت‌های متنی شکل بگیرد، به اثر مستقل او، العروة الوثقی، باز می‌گردد. او در این اثر، برخی مسائل مهم کلامی را بدقت و تفصیل بررسی کرده و بمناسبت بحث از حدوث عالم، نظریه حدوث دهری را تقریر و سپس، نقد کرده است. رویکرد سهالوی کلامی بوده و طبعاً، مواجهه او با میرداماد همدلانه نیست؛ چنانکه وی را «السید الباقر» خطاب کرده و برخی دیدگاه‌های او را «تدلیس مغالطی» دانسته است. از نظر کمال‌الدین، نظریه حدوث دهری -صرفنظر از کاستیها و ناسازگاریهای درونیش- در تبیین عقلانی فرایند «خلقت»، بهیچوجه کارآمد نیست (سهالوی، کمال‌الدین، ۱۲۵۳: پ ۱۴۵/ ۱۴۹/ پ ۱۵۲). چنانکه در ادامه خواهیم دید، کتاب

۶۱



حسین نجفی، داود حسینی؛ فلسفه میرداماد در هندوستان؛ از میانه قرن یازدهم تا پایان قرن دوازدهم...

العروة الوثقی در محافل شبه‌قاره بسیار مقبول افتاد و به یکی از مراجع رسمی اندیشمندان هندی-بوئیژه در نقد نظریهٔ حدوث دهری-تبدیل شد. کمال‌الدین خلاصه‌یی از نقدهای خود را بر نظریهٔ میرداماد، در حواشی شرح العقائد العضدیة نیز تکرار کرده است (همو، ۱۳۱۴: ۱۷-۱۸، ۳۶-۳۷، ۴۳-۴۸، ۵۶-۵۷).

۲-۱۲. کرم‌الله علوی

کرم‌الله علوی (قرن ۱۲ هـ.ق.)، یکی از چهره‌های گمنام ولی مهم-در سنت تعلیم و تعلم فلسفه و کلام اسلامی در شبه‌قارهٔ هندوستان است. تقریباً هیچ اطلاعاتی از زندگی، تحصیلات و نگاشته‌های او در دست نیست. تنها اثر برجای‌مانده از علوی، حواشی او بر شرح العقائد العضدیة است که برخی دیدگاه‌های کلامی و فلسفی او را بازمینماید. کرم‌الله در این حواشی، با احترام بسیار از میرداماد یاد کرده و او را «إمام العلماء المتأخرین» و «بعض العلماء المتأخرین» خوانده است. او با دقتی کم‌نظیر، به تفاوت دهر و سرمد در دیدگاه ابن‌سینا و میرداماد، توجه کرده و «دهر اعتباری» را از «دهر حقیقی» تمیز داده است. سپس، از نظریهٔ حدوث دهری دفاع کرده و به برخی انتقادهای ملامحمود جونپوری پاسخ داده است؛ چنانکه در مبحث «تناهی ابعاد» و «برهان تطبیق» نیز با طرفداری از استدلال میرداماد، سخنان جونپوری را نقد کرده است. بر همین اساس، میتوان کرم‌الله علوی را دومین محاکم در نزاع میرداماد و جونپوری دانست. علوی همچنین، در مباحث «وحدت» و «علم الهی»، به نظریات میرداماد توجه کرده و تأثرات اندیشمندان هندی-همچون میرزاهد هرّوی-از وی را نشان داده است. نکتهٔ مهم در حواشی علوی آنست که او در برخی مواضع-همچون اقسام تقدّم و تأخر- عبارات جلال‌الدین دوانی را بر اساس اصطلاحات و آراء میرداماد شرح داده است (علوی، ۱۳۱۴: ۲۰۴، ۲۱۸-۲۱۹ و ۲۱۸-۲۳۱).

۶۲

۲-۱۳. غلام‌یحیی بهاری

غلام‌یحیی بهاری (ف. ۱۱۸۶ هـ.ق.)، در زمرهٔ شخصیت‌های برجستهٔ تصوف و علوم عقلی در هندوستان است. او بواسطهٔ تحصیل در مدرسهٔ منصوریه، با نظام‌الدین سهالوی و درس نظامی ارتباط پیدا میکند. بهاری در میان‌سال، علوم عقلی و تدریس حکمت را رها



کرد و به تصوف خانقاهی گرایید. او هرگز به وادی علوم معقول بازنگشت، اما با نگارش حاشیه‌یی دقیق بر حاشیة الرسالة القطبية با عنوان لواء الهدی فی اللیل و الدجی، بر این سنت متنی اثری شگرف نهاد (حسنی لکهنوی ۱۴۲۰: ۶/ ۷۷۸). اشارات مختصر او به دیدگاه‌های میرداماد درباره «تصور و تصدیق» (بهاری، غلام‌یحیی، ۱۲۸۷: ۱۱ و ۱۸)، باعث شده بیشتر محشیان متأخر این سنت، آراء میرداماد را مورد توجه قرار دهند. بهاری در حاشیه مختصر خود بر شرح حمدالله سندیلوی بر سلم‌العلوم نیز به آثار و آراء میرداماد اشاره کرده و علاوه بر شرح و نقد دیدگاه میرداماد درباره تصور و تصدیق، به دیدگاه وی در تبیین مابعدالطبیعی «وجود رابط» و تفاوت آن با «وجود رابطی» نیز اشاره کرده است (همو، بی‌تا: ۳، ۱۰ و ۱۴-۱). به احتمال قوی، غلام‌یحیی بهاری نخستین چهره در میان اندیشمندان هندی است که به نظر خاص میرداماد در اینباره توجه کرده است. علاوه بر این، او در تمام آثار خود، درباره وجود دهری ممکنات سخن گفته است. باری، تلقی دهر بمنزله و عاء و مرتبه‌یی از مراتب وجود، از آموزه‌های خاص میرداماد است که نزد حکیمان هندی کاملاً تثبیت شده است.

۲-۱۴. غلام‌نور اورنگ‌آبادی

غلام‌نور اورنگ‌آبادی (ف. ۱۱۸۹ هـ.ق.)، یکی از چهره‌های برجسته علوم عقلی و مشایخ تصوف نقشبندی در جنوب هندوستان است. بر اساس گزارش‌های تاریخی، او محفل درسی پررونقی در اورنگ‌آباد داشته و تعداد بسیاری از اندیشمندان آن خطه، در محضر وی تحصیل کرده‌اند (حسنی لکهنوی، ۱۴۲۰: ۶/ ۷۷۸). اورنگ‌آبادی بواسطه نگارش حواشی بر شرح‌الهدایة، حاشیة شرح التهذیب و حاشیة الرسالة القطبية، با سنت‌های متنی ارتباط یافته است. در این میان، حواشی او بر شرح‌الهدایة ناتمام مانده و بعدها بدست شاگردش، انورالدین حسینی (زنده در ۱۲۰۲ هـ.ق.)، تکمیل شده است. غلام‌نور در آغاز این حواشی وعده داده که درباره حدوث دهری، بتفصیل سخن خواهد گفت، اما عمر وی وفا نکرده و این وعده تحقق نیافته است. بهر حال، اورنگ‌آبادی علاوه بر اشاره‌یی مختصر به نظریه حدوث دهری در این حواشی، در آثار دیگر خود و بمناسبت مباحثی همچون حقیقت علم و تصور و تصدیق، دیدگاه‌های میرداماد را بنحوی همدلانه تقریر

۶۳



حسین نجفی، داود حسینی؛ فلسفه میرداماد در هندوستان؛ از میانه قرن یازدهم تا پایان قرن دوازدهم...

کرده است (اورنگ‌آبادی، بی‌تا/الف: ۹۶ / پ ۹۶ / ۱۰۲). او همچنین، با دیدگاه‌های شاگرد نامدار میر، ملاشمسای گیلانی (زنده در ۱۰۶۴ هـ. ق) آشنا بوده و نظریه او را درباره علم الهی نقل کرده است (همو، بی‌تا/ب: ۵). از همین اشارت مختصر برمی‌آید که اندیشمندان هندی دست‌کم در حوزه اورنگ‌آباد- برخی آثار شاگردان میرداماد و نسل دوم حکیمان مدرسه اصفهان را در دست داشته‌اند.

۱۵-۲. محمدبرکت اله‌آبادی

محمدبرکت اله‌آبادی (ف. پیش از ۱۱۹۴ هـ. ق.)، فیلسوف و ریاضیدان هندی و یکی از تربیت‌یافتگان مشهور درس نظامی و مدرسه فرنگی‌محل است. او بدلیل نگارش حاشیه بر حاشیه شرح الموافقه با یکی از شعب سه‌گانه سنتهای مبتنی بر آثار میرزاهد هروی پیوند می‌یابد (حسنی لکهنوی، ۱۴۲۰: ۶ / ۸۱۱). اله‌آبادی در این اثر، به دیدگاه‌های خاص میرداماد از جمله در مباحث اقسام «هل بسیط»، حمل، اقسام تقدم و تأخر و... توجه کرده است. او با الهام از حواشی پدر خود، عبدالرحمن رحمانی، بر شرح العقائد العنصرية و سخنان کمال‌الدین سهالوی در العروة الوثقی، نظریه حدوث دهری و برخی مبادی و نتایج آن را بتفصیل نقد کرده است. اله‌آبادی علاوه بر مخالفت صریح با نظریه میرداماد، بر این باور است که ابداعات و اصطلاحات او، مسئله حدوث را پیچیده‌تر کرده و به حل آن کمکی نمیکنند. اله‌آبادی همچون دو استاد خویش، در مواجهه با میرداماد از ادبیاتی تند بهره برده، چنانکه دیدگاه میر درباره حمل را «أبطال الأباطیل» نامیده است (اله‌آبادی، بی‌تا: ۱۶ / ۵۵ / پ ۹۰). او همچنین، در رساله‌ی مستقل که درباره حدوث ذاتی و زمانی نگاشته، مختصات حدوث ذاتی را بر اساس عبارات میرداماد در القبسات تبیین کرده است (همو، ۱۳۴۹: ۵۲ / ۵۹). اله‌آبادی به سنت متنی شرح الهدایة متصل نیست، اما بعضی محشیان متأخر این متن، از دیدگاه‌های او همچون تحریر شبهه «طفرة الزواية» بر اساس متن آثار میرداماد- یاد کرده‌اند (ثبوت، ۱۳۸۰: ۸۶).

۶۴

۱۶-۲. محمداعلم سندیلوی

محمداعلم سندیلوی (ف. ۱۱۹۸ هـ. ق.)، یکی از اعیان مدرسه منصوریه در سندیله است که علاوه بر حمدالله سندیلوی، محضر کمال‌الدین سهالوی را نیز درک کرده و با



مدرسهٔ فرنگی محل پیوند داشته است. او با نگارش سه حاشیهٔ وجیز، وسیط و بسیط بر شرح‌الهدایة یکی از شارحان و مدرسان اصلی در این سنت بحساب می‌آید (حسنی لکهنوی، ۱۴۲۰: ۶/ ۸۰۴؛ ثبوت، ۱۳۸۰: ۷۸). سندیلوی در دو حاشیهٔ وسیط و بسیط، رویکردی متفاوت با کمال‌الدین سهالوی، اتخاذ کرده و ضمن احترام به شخصیت علمی میرداماد، نظریهٔ حدوث دهری را آموزه‌ی درخور اعتنا دانسته است. او میر را «المعلم الجامع» و «المحقق الباقر» لقب داده و دیدگاه‌های او را دربارهٔ مبانی حدوث دهری - همچون تأخر انفکاک، نسبت زمان و آن با دهر، نقد نظریهٔ زمان موهوم و... - بتفصیل بررسی کرده است. جالب اینکه سندیلوی برخی آموزه‌های فلسفی میرداماد را «جامع الشتات» و «فصل الخطاب» دانسته است (سندیلوی، محمداعلم، بی‌تا/الف: ۹/ پ ۱۴/ پ ۲۷؛ همو، بی‌تا/ب: ۳/ پ ۳۳/ پ ۶۱). وی در اثر مستقل خود، قسط اللیب و حظ الأذیب، دربارهٔ تقدم و تأخر دهری سخن گفته و برخی لوازم نظریهٔ میرداماد را بتفصیل بررسی کرده است (همو، بی‌تا/ج: ۹/ پ ۱۱/ پ ۲۶). نکتهٔ مهم در آثار سندیلوی، توجه محوری او به الصراط‌المستقیم است؛ چنانکه بیشترین ارجاع به آثار میرداماد در نگاه‌های او، به الصراط‌المستقیم و حواشی میرداماد بر آن، اختصاص دارد.

۲-۱۷. محمدولی سهالوی

محمدولی سهالوی (ف. ۱۱۹۸ هـ.ق.)، قاضی شهیر هندی و یکی از تربیت‌یافتگان مدرسهٔ فرنگی محل در قرن دوازدهم هـ.ق. است. او عموزادهٔ بانی درس نظامی است و علاوه بر نظام‌الدین، محضر کمال‌الدین سهالوی را نیز درک کرده است. قاضی محمدولی در علوم منقول و معقول چیره بود و بدلیل نگارش حواشی بر حاشیهٔ شرح التهذیب و حاشیهٔ شرح المواقف، و همچنین شرحی سترگ بر سلم‌العلوم، با سنت‌های متنی شبه‌قاره پیوند می‌یابد (حسنی لکهنوی، ۱۴۲۰: ۶/ ۸۴۲). او در شرح سلم‌العلوم و بمناسبت‌های مختلف، طیفی وسیع از مباحث فلسفی - از جمله دیدگاه‌های میرداماد - را مورد توجه قرار داده است. باید توجه داشت که محمدولی در مواجهه با فلسفهٔ میرداماد، بیش از همه از کمال‌الدین سهالوی و کتاب العروة الوثقی تأثیر پذیرفته است؛ چنانکه میر را «السید الباقر» نامیده، دیدگاه او دربارهٔ اقسام تقدم و تأخر و حدوث عالم را نقد کرده و نظریهٔ حدوث دهری را «قول سخیف» خوانده است (سهالوی، محمدولی، ۱۱۹۶: ۵۱/ پ ۱۴۳/ ر ۱۶۲).

۶۵



حسین نجفی، داود حسینی؛ فلسفهٔ میرداماد در هندوستان؛ از میانهٔ قرن یازدهم تا پایان قرن دوازدهم...

مواجهه قاضی‌محمدولی با نظریه میرداماد از دو جهت ممتاز است: نخست اینکه، در نقد این آموزه، به دیدگاه‌های معاصران خود - اعم از مخالفان و مدافعان - توجه کرده؛ دوم اینکه، نسبت حدوث و قدم دهری با حدوث و قدم زمانی را بدقت بررسی کرده است. محمدولی سهالوی، در موضوعاتی دیگر همچون اقسام «هل بسیط»، معقولات ثانی، حمل و تلازم، نیز به آراء میرداماد توجه داشته است (همو، بی‌تا: پ ۸؛ همو، ۱۱۴۷: ۵۲).

۱۸-۲. محمدحسن سهالوی

ملا محمدحسن سهالوی (ف. ۱۱۹۹ ه.ق.)، یکی از چهره‌های کلیدی در نسل نخست تربیت‌یافتگان مدرسه فرنگی محل بشمار میرود. او شاگرد مستقیم نظام‌الدین سهالوی بود و مدتی ریاست این مدرسه را بر عهده داشته است. او بواسطه نگارش حواشی خرد و کلان بر شرح الهدایة الشمس البازغة، حاشیة الرسالة القطبیه، حاشیة شرح التهذیب، حاشیة شرح المواقف و سلم العلوم، با تمام سندهای اصلی متن محور مرتبط و متصل است (حسنی لکهنوی، ۱۴۲۰: ۶/۸۱۳؛ ثبوت، ۱۳۸۰: ۷۵-۷۲). در این میان، حواشی او بر الشمس البازغة و سلم العلوم از اهمیت بیشتری برخوردارند. وی آشکارا اصطلاح «حکمت یمانی» را بکار برده، از میرداماد با عناوینی همچون «الباقر النحریر»، «الحبر القمقام»، «خیر اللحقة بالسابقین» یاد کرده و او را بسیار ستوده است (سهالوی، محمدحسن، ۱۳۱۴: ۲۳-۱۹ و ۴۴؛ همو، بی‌تا/الف: پ ۱۰؛ همو، بی‌تا/ج: ر ۴۱/پ ۴۵). ملا محمدحسن در بخش پایانی حواشی الشمس البازغة، به داوری میان ملا محمود جون‌پوری و میرداماد برخاسته و دیدگاه‌های ایشان را بتفصیل بررسی کرده است. بنظر او، جون‌پوری در نقد و تشنیع میرداماد زیاده‌روی کرده، زیرا نقدهای ملا محمود بر مبانی نظریه حدوث دهری، ناشی از اختلاف مبانی او با میرداماد در تعریف و تصویر زمان است. در این میان، حق بجانب میرداماد بوده و جون‌پوری دچار سوءتفاهم شده است (همو، بی‌تا/ب: ر ۱۵۷-۱۵۲). با این توضیح، پس از امان‌الله بنارسی و کرم‌الله علوی، محمدحسن سهالوی سومین نقطه عطف در محاکمه میان میرداماد و جون‌پوری درباره حدوث دهری بشمار میرود.

۱۹-۲. محمدعظیم گوپاموی

محمدعظیم گوپاموی (ف. ۱۱۹۹ ه.ق.)، متکلم و منطق‌دان شهیر هندی و یکی از شاگردان کرم‌الله علوی است. وی با نگارش حواشی بر شرح الهدایة، حاشیة الرسالة

القطبية، حاشية شرح التهذيب، حاشية شرح المواقف و نیز شرحی مزجی و مفصل بر سلم العلوم، با سنتهای متنی در هندوستان ارتباطی وثیق یافته است (حسنی لکهنوی، ۱۴۲۰: ۶/ ۸۲۸). او در نگارش حواشی، بسیار وفادارانه عمل کرده و بندرت از چارچوب مباحث متن و شرح خارج شده است؛ از اینرو، بسآمد ارجاعات بیرونی در آثار او، چندان چشمگیر نیست. گوپاموی در مواجهه با میرداماد، بیش از آنکه از استاد خود، کرم‌الله علوی، متأثر باشد، به دیدگاههای کمال‌الدین سهالوی در کتاب العروة الوثقی گرایش داشته و رویکردی انتقادی در پیش گرفته است؛ بهمین دلیل، در مباحثی همچون اقسام تقدم و تأخر، دهر و زمان و حدوث دهری، دیدگاههای میرداماد را تقریر و نقد کرده است. او همچنین، دو مسئله «هل بسیط» و «جعل» را بتفصیل بررسی کرده و علاوه بر دیدگاههای میرداماد، نظریات اندیشمندان هندی همچون میرزاهد هروی و کرم‌الله علوی را نیز تقریر کرده است. ویژگی چشمگیر در آثار گوپاموی، توجه او به دیدگاههای منطقی میرداماد از جمله شروط تضاد و لوازم مابعدالطبیعی آنهاست (گوپاموی، محمدعظیم، بی تا/الف: ۶/ پ ۲۹؛ همو، بی تا/ب: ۹/ پ ۱۸/ ر ۴۱).

۲-۲۰. احمدعلی سندیلوی

احمدعلی سندیلوی (ف. ۱۲۰۰ هـ.ق.)، منطقدان، فیلسوف و قاضی شهیر حنفی و یکی از چهره‌های درخشان دو مدرسه منصوریه و فرنگی محل است. او بواسطه نگارش حاشیه بر حاشية الرسالة القطبية حاشية شرح المواقف و حاشية شرح التهذيب و شرحی طویل و دراز بر سلم العلوم، با سنتهای اصلی منطق و حکمت در هندوستان پیوند می‌یابد (حسنی لکهنوی، ۱۴۲۰: ۶/ ۶۹۵-۶۹۶). سندیلوی یکی از نقاط عطف در تاریخ مواجهه اندیشمندان هندی با میرداماد بشمار میرود، زیرا علاوه بر توجه محوری به متن الأفق المبين، بیشتر آراء خاص میرداماد را تقریر، و برخی از آنها را نقد کرده است. احمدعلی از میرداماد با لحنی محترمانه یاد کرده و او را «المحقق الباقر»، «أفضل اللاحقين» و «نضاج الحكمة اليمانية» لقب داده است. یکی از مباحث اصلی در آثار سندیلوی، نظریه حدوث دهری، مبانی و نتایج آن است. او با تأثیر از دیدگاههای کمال‌الدین سهالوی و کتاب العروة الوثقی، ضمن پاسخ به دفاعیات ملاحسن لکهنوی، نظریه میرداماد را بتفصیل نقد کرده است. سندیلوی در مباحثی همچون قاعدة «فرعیت»،

۶۷



حسین نجفی، داود حسینی؛ فلسفه میرداماد در هندوستان؛ از میانه قرن یازدهم تا پایان قرن دوازدهم...

شبهه «جذر اصم» (پارادوکس دروغگو)، جعل، علم الهی و... نیز به دیدگاه‌های میرداماد توجه کرده است (سندیلوی، احمدعلی، بی‌تا/الف: ر ۴/ ۱۱۷ ر ۷۹؛ همو، ۱۱۷۹: پ ۱۲/ ۱۳؛ همو، بی‌تا/ب: ر ۱۵/ ۳۵؛ همو، بی‌تا/ج: ر ۵/ ۱۹ ر ۲۵).

در این بخش بمنظور تجمیع و تسهیل فهم مطالب، شرح حال هر یک از شخصیت‌های پیش گفته در قالب یک نمودار ترسیم شده است. هر نمودار شامل چهاربخش کلی است: - در بخش نخست، لقب، نام و شهرت هریک از شخصیتها، بصورت کامل درج شده است. هدف نویسندگان، نمایش جایگاه اعلام در میان اندیشمندان هندی بوده است، زیرا القاب پیشوندی همچون «ملا»، «مولانا»، «مولوی»، «قاضی» و «شیخ» - از رتبه علمی و مناصب افراد حکایت میکنند. در این میان، لقب «ملا» - که با «علامه» برابر است - بالاترین جایگاه را داشته و «مولانا» و «مولوی» در مراتب بعدی قرار میگیرند. القاب پسوندی نیز نشان‌دهنده جایگاه سیاسی و اجتماعی اندیشمندان هندی هستند و بیان آنها، پیگیری و مطالعه گزارش‌های تاریخی را تسهیل میکند.

- بخش دوم، شامل اطلاعاتی کلی از حیات علمی و معنوی اعلام است که علاوه بر «محدوده تاریخی» و «مذهب»، «وابستگی به فرقه‌های تصوف» را نیز دربرمیگیرد. جزئیات ارتباط افراد با مدارس محلی و سنتهای متنی نیز، ذیل دو عنوان «مدرسه» و «اتصال به سنت متن‌محور» مشخص شده‌اند.

- بخش سوم، به «محدوده جغرافیایی» اقامت اندیشمندان در هندوستان اختصاص دارد که در قالب نقشه شبه‌قاره هندوستان نشانه‌گذاری شده است. هدف نویسندگان از تدوین این نگاره‌ها، تسهیل آگاهی از بسآمد مواجهه با میرداماد در جغرافیای هندوستان است.

- در بخش چهارم، رویارویی شخصیت‌های علمی با میرداماد روایت شده است. این روایت مختصر، بر چهار محور استوار است: «رویکرد به میرداماد» که ترکیبی از پایگاه فکری هر شخصیت و نحوه مواجهه او با آراء میرداماد را نشان میدهد؛ «اثربرداری از آثار میرداماد» که شامل عناوین مؤثر بر اندیشه هریک از اندیشمندان است؛ «ارتباط با آراء میرداماد» که مشخص میکند آیا مواجهه این اندیشمندان با میرداماد، به سنتهای متنی محدود است یا آثار مستقل آنها را نیز دربرمیگیرد؛ و «مباحث» که شامل فهرستی از مسائل منطقی، فلسفی و کلامی بوده و حیطة مواجهه اندیشمندان را با میرداماد معین میکند.

۶۸



۳. نمودارها

نمودار ۱: محمود جون پوری

نام و شهرت کامل: [ملاً] محمود بن شاه محمد فاروقی جون پوری

محدوده تاریخی: ۹۹۳ - ۱۰۶۲ ه.ق

وابستگی به فرقه‌های تصوف: قادریه

مدرسه: مدرسه محلی جون پور

اتصال به سنت متن محور: بنیان‌گذار سنت متنی الشمس البازغة

رویکرد به میرداماد: فلسفی / نقد

اثرپذیری از آثار میرداماد: الأفق المبین

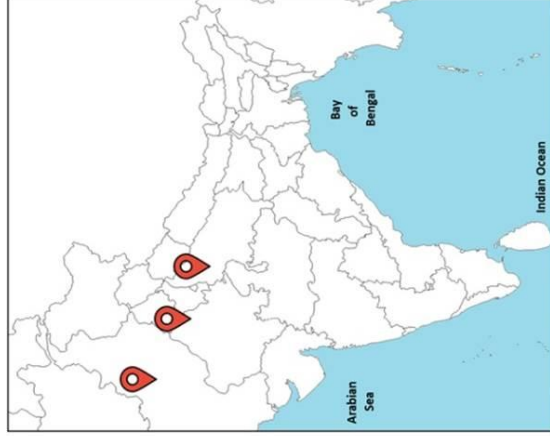
ارتباط با آراء میرداماد: نگارش آثار مستقل و شرح آن‌ها

مباحث: حرکت توسّطیّه و قطعیه؛ تاهي زمان؛ حدود دهری

محدوده جغرافیایی: جون پور / اکبرآباد (آگرا) / بنگال

نمودار ۲: میرزاہد ہروی

نام و شهرت کامل: [قاضی] میر محمدزاہد بن محمداسلم حسینی ہروی کابل



محدودہ تاریخی: ؟ - ۱۱۰۱ھ ق

وابستگی بہ فرقہہای تصوف: [احتمالاً] نقشبندیہ

مدرسہ: مدرسہ محلی لاهور و کابل

اتصال بہ سنت متن محور: بیان گذار سنتہای متنی

حاشیہ الرسالۃ القطبیۃ / حاشیہ شرح المواقف / حاشیہ شرح التہذیب

رویکرد بہ میرداماد: منطقی / فلسفی / اقتباس؛ نقد

اثرپذیری از آثار میرداماد: الأفق المبین / التقبسات / تقویم الإیمان

ارتباط با آراء میرداماد: شرح و تحشیہ آثار دیگران

مباحث: اقسام «ہل بسیط»؛ تصوّر و تصدیق؛ مراتب تقرّر و

موجودیت؛ وجود ذہنی

محدودہ جغرافیایی: لاهور / کابل / اکبرآباد (آگرا)



سال ۱۴، شماره ۲

پاییز ۱۴۰۲

نمودار ۳: محب‌الله بهاری

نام و شهرت کامل: افاضی [محب‌الله بن عبدالشکور عثمانی بهاری، مخاطب به «فاضل‌خان»]

محدوده تاریخی: ؟ - ۱۱۱۹ ه.ق

وابستگی به فرقه‌های تصوف: نامعلوم

مدرسه: مدرسه محلی بهار و لکهنو

اتصال به سنت متن محور: بنیان‌گذار سنت متی سلم‌العلوم

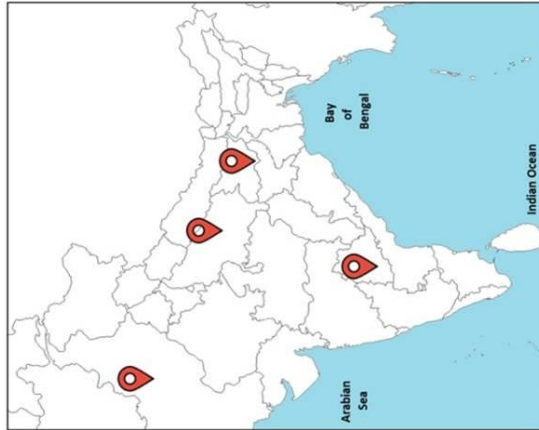
رویکرد به میرداماد: منطقی؛ فلسفی / اقتباس

اثرپذیری از آثار میرداماد: الأفق المبین

ارتباط با آراء میرداماد: نگارش آثار مستقل

مباحث: اقسام «هل بسیط»؛ شبهه «جذر اصم» (پارادوکس

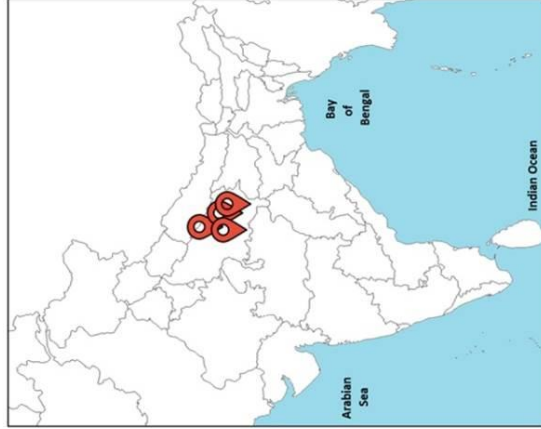
دروغ‌گویی)؛ تصور و تصدیق؛ قاعده «فرعیت»؛ وجود دهری



محدوده جغرافیایی: بهار / لکهنو / حیدرآباد / کابل

نمودار ۴: امان‌الله بنارسی

نام و شهرت کامل: [حافظ] معزالدین امان‌الله بن نورالله حسینی بنارسی



محدوده تاریخی: ۴ - ۱۱۳۳ ه.ق
وابستگی به فرقه‌های تصوف: نقشبندیه
مدرسه: مدرسه محلی بنارس، جونپور و لکهنو
اتصال به سنت متن محور: شرح العقاید العضدیه / الشمس البارغة
رویکرد به میرداماد: فلسفی / شرح و نقد
اثرپذیری از آثار میرداماد: الأفق المبین
ارتباط با آراء میرداماد: محاکمه‌نگاری
مباحث: حدود دهری

محدوده جغرافیایی: بنارس / جونپور / لکهنو / دهآباد



سال ۱۴، شماره ۲
پاییز ۱۴۰۲

نمودار ۵: نظام‌الدین انصاری

نام و شهرت کامل: [ملاً] نظام‌الدین محمد بن قطب‌الدین انصاری سہالوی لکھنوی، ملقب به «بانی درس نظامی» و «استاد‌الہند»

محدوده تاریخی: ۱۰۸۸ - ۱۱۶۱ ه.ق

وابستگی به فرقه‌های تصوف: قادریہ

مدرسه: مدرسه محلی لکھنو و بنارس

بنیان‌گذار مدرسه «فرنگی محل» و برنامه «درس نظامی»

اتصال به سنت متن محور: شرح العقائد العضدیة / تثبیت‌کننده سنت


متنی شرح‌الہدیة در ہندوستان / الشمس البازغة

رویکرد به میرداماد: منطقی، فلسفی، کلامی / شرح و نقد

اثرپذیری از آثار میرداماد: الأفق المبین / القبسات / تقویم‌الایمان

ارتباط با آراء میرداماد: شرح و تحشیہ آثار دیگران

مباحث: شمار مقولات؛ جعل؛ تقدّم و تأخّر؛ زمان؛ حدوث دہری



محدوده جغرافیایی: لکھنو / بنارس

نمودار: حمدالله سنديلوی

نام و شهرت کامل: [مولوی] حمدالله بن شکر الله سنديلوی، مخاطب به «فاضل خان»

محدوده تاریخی: ؟ - ۱۱۶۰ ه.ق

وابستگی به فرقه‌های تصوف: نامعلوم

مدرسه: فرنگی محلّ / بیان‌گذار مدرسه «منصوریه»

اتصال به سنت متن‌محور: شرح الهدایة / الشمس البازغة / سلم العلوم


رویکرد به میرداماد: منطقی؛ فلسفی / شرح؛ نقد

اثرپذیری از آثار میرداماد: الألق المبین / القبسات

ارتباط با آراء میرداماد: شرح و تحشیه آثار دیگران

مباحث: شمار مقولات؛ حمل؛ شبهه «استلزام»؛ قاعده «فرعیت»؛

اقسام تقدّم و تأخر؛ زمان؛ حدوث دهری



محدوده جغرافیایی: سندیله / لکهنو

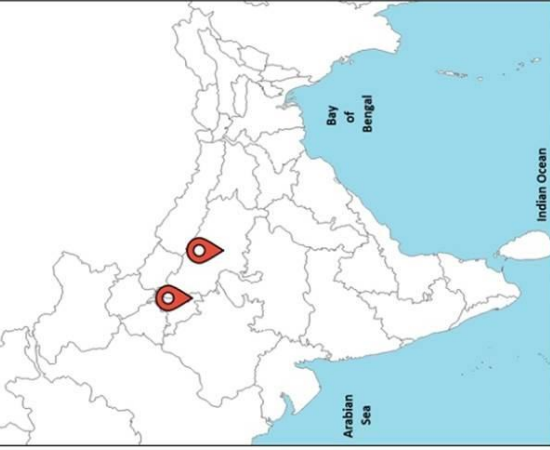
نمودار ۷: محمد امجد قنوجی

<p>نام و شهرت کامل: [مولوی] محمد امجد بن فیض الله صدیقی قنوجی</p>	<p>محدوده تاریخی: زنده در ۱۱۶۱ ه.ق وابستگی به فرقه‌های تصوف: چشتیه مدرسه: مدرسه محلی قنوج اتصال به سنت متن محور: شرح الهدایه رویکرد به میرداماد: فلسفی / شرح؛ نقد اثرپذیری از آثار میرداماد: الألف المبین / تقویم ایمان / الإیاضات ارتباط با آراء میرداماد: شرح و تحشیه آثار دیگران مباحث: شمار مقولات؛ حمل؛ امکان ذاتی؛ زمان؛ وجود دهری؛ اقسام حدوث زمانی</p>
---	--

محدوده جغرافیایی: قنوج

نمودار ۸: محمد مبارک گوپاموی

نام و شهرت کامل: [قاضی] محمد مبارک بن محمد دائم فاروقی ادهمی گوپاموی



محدوده جغرافیایی: گوپامو / شاه جهان آباد (دهلی)

محدوده تاریخی: ۱۰۹۲ - ۱۱۶۲ ه.ق

وابستگی به فرقه‌های تصوف: چشتیه

مدرسه: مدرسه محلی گوپامو و شاه جهان آباد (دهلی)

اتصال به سنت متن محور: حاشیه شرح المواقف / حاشیه شرح

التهذیب / سلم العلوم

رویکرد به میرداماد: منطقی؛ فلسفی؛ کلامی / اقتباس؛ شرح؛ نقد

اثرپذیری از آثار میرداماد: الألف المبین / تقویم الإیمان / التقدیسات

ارتباط با آراء میرداماد: شرح و تحشیه آثار دیگران

مباحث: اقسام «هل بسیط»؛ شبهه «جذر اصم»؛ تصور و تصدیق؛

تلازم و علّیت؛ وجود رابط؛ حدوث دهری؛ مثل افلاطونی

نمودار ۹: احمد عبدالحق سیهالوی

نام و شهرت کامل: [مولانا] احمد عبدالحق بن محمدسعید انصاری سیهالوی لکهنوی

محدوده تاریخی: ۱۱۰۳ - ۱۱۶۷ ه.ق

وابستگی به فرقه‌های تصوف: نامعلوم

مدرسه: فرنگی محلّ

اتصال به سنت متن محور: حاشیه شرح المواقف / حاشیه شرح

التهذیب / سلم العلوم

رویکرد به میرداماد: منطقی؛ فلسفی / شرح؛ نقد

اثرپذیری از آثار میرداماد: الأفق المبین / القیسات

ارتباط با آراء میرداماد: شرح و تحشیه آثار دیگران

مباحث: ملاک صدق؛ جهت قضایا؛ شبهه «استلزام»؛ تصوّر و

تصدیق؛ جعل؛ حدوث دهری



محدوده جغرافیایی: لکهنو

نمودار ۱۰: عبدالرحمن رحمانی

نام و شهرت کامل: [شیخ] عبدالرحمن بن عبدالرسول رحمانی اله‌آبادی



محدوده جغرافیایی: آمتی / اله‌آباد

محدوده تاریخی: قرن ۱۲ ه.ق

وابستگی به فرقه‌های تصوف: نامعلوم

مدرسه: مدرسه محلی اله‌آباد

اتصال به سنت متن مجوز: شرح العقائد العضدیة

رویکرد به میرداماد: کلامی / نقد

اثرپذیری از آثار میرداماد: الأقی المبین / القیسات / الإیاضات

ارتباط با آراء میرداماد: شرح و تحشیه آثار دیگران

مباحث: اقسام تقدم و تأخر؛ زمان؛ دهر و سرمد؛ ازل و ابد؛ وجود

دهری؛ حدوث دهری؛ مثل افلاطونی؛ جمع دیدگاه افلاطون و ارسطو

نمودار ۱۱: کمال‌الدین سیهالوی

نام و شهرت کامل: [مولانا] کمال‌الدین بن محمد دولت انصاری سیهالوی فنچپوری

محدوده تاریخی: ؟ - ۱۱۷۵ ه.ق

وابستگی به فرقه‌های تصوف: نامعلوم

مدرسه: مدرسه محلی فنچپور؛ فرنگی محل

اتصال به سنت متن محور: شرح العقائد العضدیة / شرح الهدایة /

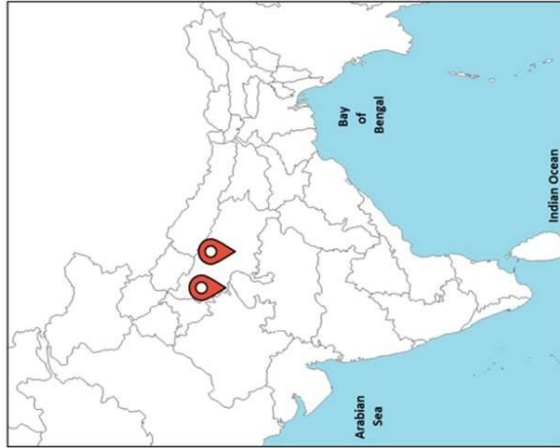
حاشیه شرح التهذیب / سلم العلوم

رویکرد به میرداماد: فلسفی؛ کلامی / نقد

اثرپذیری از آثار میرداماد: الأفق المبین / القیسات

ارتباط با آراء میرداماد: نگارش آثار مستقل / تحشیه آثار دیگران

مباحث: اقسام تقدم و تأخر؛ تهاهی زمان؛ حدوث دهری



محدوده جغرافیایی: فنچپور / لکهنو

نمودار ۱۲: کرم الله علوی

نام و شهرت کامل: [مولانا] سیدکرم الله علوی کیهلوی

محدوده تاریخی: قرن ۱۲ ه.ق

وابستگی به فرقه‌های تصوف: نامعلوم

مدرسه: نامعلوم


اتصال به سنت متن محور: شرح العقائد العضدیة

رویکرد به میرداماد: فلسفی / نقد

اثرپذیری از آثار میرداماد: الألق المبین / تقویم الإیمان

ارتباط با آراء میرداماد: شرح و تحشیه آثار دیگران

مباحث: تاهمی ابعاد؛ اقسام تقدم و تأخر؛ زمان و دهر؛ حدوث دهری؛ علم الهی



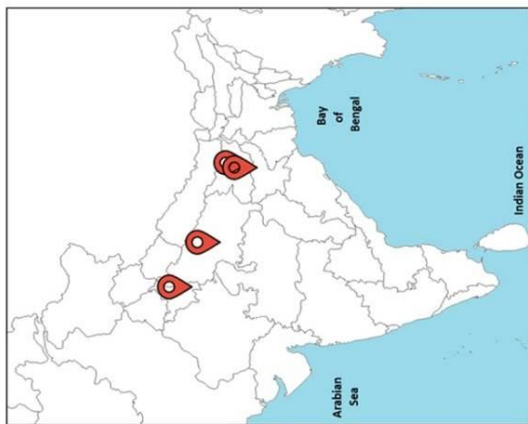
محدوده جغرافیایی: دیوا شریف



نمودار ۱۳: غلام یحیی بهاری

نام و شهرت کامل: [ملاً] غلام یحیی بن نجم الدین بارهوی بهاری

محدوده تاریخی: ۹ - ۱۱۸۶ ه.ق
وابستگی به فرقه‌های تصوف: نقشبندیه (صاحب خلافت)
مدرسه: مدرسه محلی بهار و لکهنو؛ منصوریه؛ فرنگی محل
اتصال به سنت متن محور: حاشیه الرسالة القطیبة / سلم العلوم
رویکرد به میرداماد: فلسفی / شرح؛ نقد
اثرپذیری از آثار میرداماد: الألق المبین
ارتباط با آراء میرداماد: شرح و تحشیه آثار دیگران
مباحث: تصوّر و تصدیق؛ وجود رابطی؛ وجود دهری

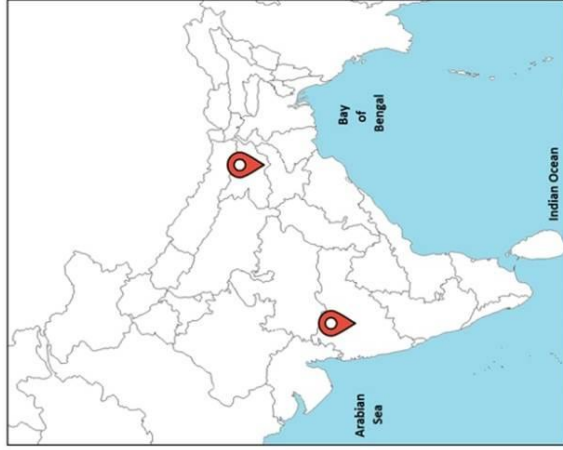


محدوده جغرافیایی:

بارهه/ بهار / لکهنو / شاه جهان آباد (دهلی)

نمودار ۱۴: غلام نور اورنگ آبادی

نام و شهرت کامل: [ملاً] محمد بن سعدالله حسینی بھاری اورنگ آبادی، مشہور بہ «غلام نور»



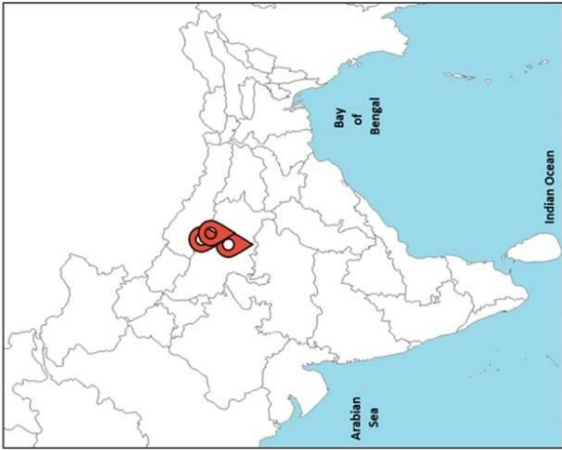
محدودہ جغرافیائی: بھار / اورنگ آباد

محدودہ تاریخی: ۱۱۳۹ - ۱۱۸۹ھ ق
وابستگی بہ فرقہ ہای تصوف: نقشبندیہ
مدرسہ: مدرسہ محلی اورنگ آباد
اتصال بہ سنت متن محور: شرح الہدایہ / حاشیہ الرسالۃ القطبیہ /
حاشیہ شرح التہذیب
رویکرد بہ میرداماد: فلسفی / نقد
اثرپذیری از آثار میرداماد: الأفق المبین / تقویم ایمان / القبسات
ارتباط با آراء میرداماد: شرح و تحشیہ آثار دیگران
مباحث: علم، تصور و تصدیق؛ حدوث دہری

نمودار ۱۵: محمدبرکت اله‌آبادی

نام و شهرت کامل: [مولانا] محمدبرکت بن عبدالرحمن عثمانی اله‌آبادی

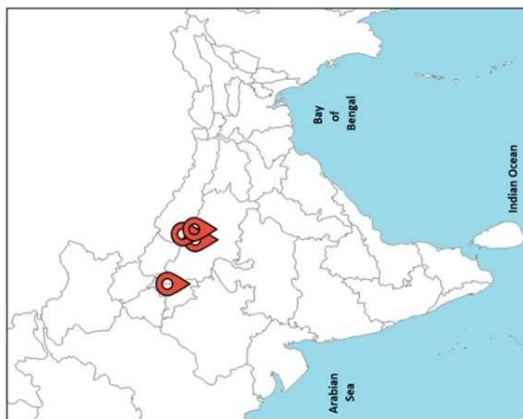
محدوده تاریخی: درگذشته پیش از ۱۱۹۴ ه.ق
وابستگی به فرقه‌های تصوف: نامعلوم
مدرسه: مدرسه محلی اله‌آباد؛ فرنگی محل
اتصال به سنت متن‌محور: حاشیه شرح المواقف
رویکرد به میرداماد: فلسفی / شرح
اثرپذیری از آثار میرداماد: الأفق المبین / القبسات
ارتباط با آراء میرداماد: شرح و تحشیه آثار دیگران / نگارش آثار مستقل
مباحث: اقسام «هل بسیط»؛ حمل؛ اقسام تقدم و تأخر؛ حدوث
دهری؛ ربط حادث به قدیم



محدوده جغرافیایی: آمیتی / اله‌آباد / لکهنو

نمودار ۱۶: محمداعلم سندیلوی

نام و شهرت کامل: [شیخ] محمداعلم بن محمدشاکر فاروقی سندیلوی



محدوده جغرافیایی:

سندیلوه / لکهنو / خیرآباد / شاهجهانآباد (دهلی)

محدوده تاریخی: ؟ - ۱۱۹۸ هـ.ق

وابستگی به فرقه‌های تصوف: چشتیه

مدرسه: منصوریه؛ فرنگی محل

اتصال به سنت متن محور: شرح الهدایه

رویکرد به میرداماد: فلسفی / شرح

اثرپذیری از آثار میرداماد: الصراط المستقیم / الأفق المبین /

الإیماضات / القیسات

ارتباط با آراء میرداماد: شرح و تفسیر آثار دیگران / نگارش آثار مستقل

مباحث: تاهمی ابعاد؛ اقسام تقدم و تأخر؛ اقسام حادث زمانی؛

حدوث دهری

نمودار ۱۷: محمدولی سیهالوی

نام و شهرت کامل: [قاضی] محمدولی بن غلاممصطفی انصاری سیهالوی لکهنوی

محدوده تاریخی: ؟ - ۱۱۹۸ ه.ق

وابستگی به فرقه‌های تصوف: نامعلوم

مدرسه: فرنگی محل

اتصال به سنت متن محور: حاشیه شرح التهذیب / حاشیه شرح

المواقف / سلم العلوم

رویکرد به میرداماد: فلسفی / شرح؛ نقد

اثرپذیری از آثار میرداماد: الأفق المبین / القیسات

ارتباط با آراء میرداماد: شرح و تحشیه آثار دیگران

مباحث: اقسام «هل بسیط»؛ معقولات ثانی؛ حمل؛ تلازم؛ جعل

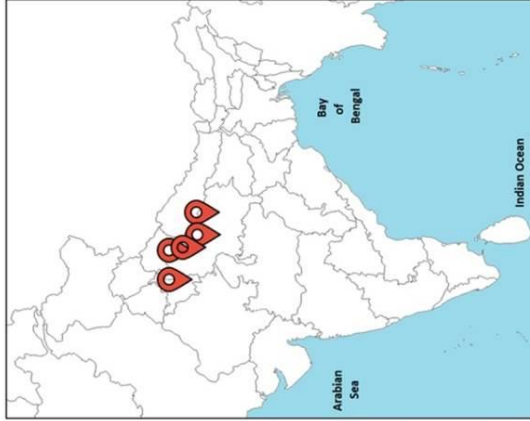
بسیط؛ اقسام تقدم و تأخر؛ حدوث دهری؛ وجود دهری



محدوده جغرافیایی: لکهنو / مآلوان

نمودار ۱۸: محمدحسن سہالوی

نام و شہرت کامل: [ملا] محمدحسن بن غلام مصطفی سہالوی لکھنوی، مشہور بہ «محمّدی»



محدود جغرافیائی:

لکھنؤ / فیض آباد / شاہجہان پور / شاہجہان آباد (دہلی) / رام پور

محدودہ تاریخی: ؟ - ۱۱۹۹ھ ق.

وابستگی بہ فرقہ‌های تصوّف: قادریہ

مدرسه: فرنگی محلّ

اتّصال بہ سنت متن محوز: شرح الہدایہ / الشمس البازغة / حاشیة الرسالة

القطبیة / حاشیة شرح المواقف / حاشیة شرح التہذیب / سلّم العلوم

رویکرد بہ میرداماد: فلسفی / شرح: دفاع

اثرپذیری از آثار میرداماد: الألق المبین / التفسات

ارتباط با آراء میرداماد: شرح و تحشیہ آثار دیگران

مباحث: جعل؛ زمان و دہر؛ حدوث دہری؛ معیّت دہری

نمودار ۱۹: محمدعظیم گویاموی

<p>نام و شهرت کامل: [مولانا] محمدعظیم بن کفایت‌الله فاروقی گویاموی مآلاوی</p>	<p>محدوده تاریخی: ۹ - ۱۱۹۹ هـ.ق</p> <p>وابستگی به فرقه‌های تصوف: نامعلوم</p> <p>مدرسه: فرنگی محل</p> <p>اتصال به سنت متن محور: شرح الهدایة / حاشیة الرسالة القطیبة / حاشیة شرح المواقف / حاشیة شرح التهذیب / سلم العلوم</p> <p>رویکرد به میرداماد: منطقی؛ فلسفی / نقد</p> <p>اثرپذیری از آثار میرداماد: الأفق المبین / الإیماضات / تقویم الإیمان</p> <p>ارتباط با آراء میرداماد: شرح و تحشیة آثار دیگران</p> <p>مباحث: اقسام «هل بسیط»؛ شروط تضاد؛ مراتب تقرّر و موجودیت؛ جعل؛ حدوث دهری</p>
	<p>محدوده جغرافیایی: گویامو / کهنو / مآلاوان</p>

نمودار ۲۰: احمدعلی سندیلوی

نام و شهرت کامل: احمدعلی بن فتح الله سندیلوی

محدوده تاریخی: ؟ - ۱۲۰۰ ه.ق
وابستگی به فرقه‌های تصوف: قادریه
مدرسه: منصوریه؛ فرنگی محل
اتصال به سنت متن محور: حاشیه الرسالة القطیبة / حاشیه شرح
المواقف / حاشیه شرح التهذیب / سلم العلوم
رویکرد به میرداماد: فلسفی / شرح / دفاع
اثرپذیری از آثار میرداماد: الأفق المبین / القبسات / تقویم ایمان
ارتباط با آراء میرداماد: شرح و تحشیه آثار دیگران / نگارش آثار مستقل
مباحث: حمل؛ تلازم؛ قاعده «فرعیت»؛ شبهه «جذر اصم» (پارادوکس
دروغ‌گو)؛ جعل؛ زمان و دهر؛ حدوث دهری؛ وجود دهری؛ علم الهی



محدوده جغرافیایی: سندیله / لکهنو



سال ۱۴، شماره ۲
پاییز ۱۴۰۲

۴. تحلیل داده‌ها

از تحلیل منسجم داده‌های تاریخی و متنی در بازهٔ قرن یازدهم تا پایان قرن دوازدهم هـ.ق. بدست می‌آید که:

- تمام شخصیتهای اصلی در سنتهای متنی، دربارهٔ میرداماد و دیدگاههای او اظهار نظر کرده‌اند؛ از اینرو، بسیاری از شروح، حواشی و حواشی حواشی در این سنتها، دنباله‌هایی از اندیشه‌های فلسفی میرداماد در هندوستان هستند. در بازهٔ تاریخی این تحقیق، سنتهای متنی سیطره‌ی عمیق بر محافل درسی داشته‌اند؛ چندان که برغم اقبال اندیشمندان به میرداماد، هیچ شرح و حاشیهٔ مستقلی بر آثار او همچون الأئق المبین- نوشته نشده است.

- توجه محافل هندی به اندیشه‌های میرداماد، پس از تأسیس مدرسهٔ «فرنگی محل» در لکهنو و تثبیت درس نظامی، وسعت و شتاب یافته است، زیرا علاوه بر بنیانگذار این مدرسه، نسل نخست تربیت‌یافتگان آن نیز به آراء میرداماد توجهی ویژه داشته‌اند.

- آثار و آراء میرداماد در گستره‌ی وسیع از جغرافیای هندوستان مورد توجه بوده‌اند، اما در میان مناطق گوناگون، شهر لکهنو و توابع آن (محدودهٔ کنونی ایالت اتر پردیش)، بیشترین سهم را در مواجههٔ علمی با میرداماد دارند. عامل اصلی در این تمرکز جغرافیایی، استقرار حوزه‌های اصلی تدریس علوم اسلامی در آن ناحیه است.

- مواجهه با میرداماد را میتوان در دو جریان تاریخی / جغرافیایی ترسیم کرد: جریان نخست، اندیشمندان ایرانی هستند که اغلب به مشهورترین اثر او - یعنی القبسات- پرداخته‌اند. بیشتر نمایندگان این جریان، با اتصال تاریخی به شخصیت میرداماد، در زمرهٔ شاگردان یا شاگردان شاگردان او هستند. جریان دوم که تقریباً ناشناخته است، اندیشمندان هندی را دربرمیگیرد که اغلب به حجیمترین اثر میرداماد - یعنی الأئق المبین- پرداخته و نظریات او را بر اساس متن این کتاب تقریر کرده‌اند. بیان دیگر، میتوان هندوستان را خانهٔ دوم میرداماد دانست؛ سرزمینی که دانشوران آن، بیش از هموطنان میر، به الأئق المبین ارج نهاده‌اند. پس از الأئق المبین، دو کتاب القبسات و الإیماضات، دو مرجع اصلی اندیشمندان هندوستان در شرح و تقریر نظریات میرداماد بشمار میروند.

- آشنایی اندیشمندان هندی با فلسفهٔ میرداماد، با نظریهٔ «حدوث دهری» آغاز شده است. نقدهای ملامحمود جونپوری بر بنیادهای طبیعی این آموزه در مباحث زمان و حرکت، توجه



اندیشمندان متأخر را برانگیخت و مواجهه نخستین آنها را با میرداماد، در حوزه طبیعیات رقم زد. این مواجهه رفته‌رفته به آراء متافیزیکی و سپس، نظریات منطقی میرداماد نیز کشیده شد. از آغاز قرن دوازدهم هـ.ق، طیفی وسیع از نظریات میرداماد در حوزه منطق، طبیعیات و مابعدالطبیعه، در میان اندیشمندان هندی مطرح بوده است. از این میان، دو نظریه فلسفی «حدوث دهری» و «جعل بسیط ماهیت» و دو نظریه منطقی «اقسام هل بسیط» و «شبهه جذر اصم (پارادوکس دروغگو)»، بترتیب بیشترین بسآمد را بخود اختصاص داده‌اند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

اندیشه فلسفی میرداماد، یکی از نقاط عطف در حضور تاریخی آثار و آراء فیلسوفان ایرانی در هندوستان بشمار میرود. مواجهه اندیشمندان هندی با نگاشته‌ها و اندیشه‌های او، سه دوره کلی را سپری کرده است: دوره انتقال، دوره انتشار و دوره تثبیت. در این مقاله، با تمرکز بر دوره دوم، نشان دادیم که آثار و آراء میرداماد پس از ورود به جغرافیای شبه‌قاره، توجه برخی بنیانگذاران سنتهای متنی را برانگیخت و بواسطه آثار ایشان، در محافل علمی هندوستان رواج یافت. تأسیس برنامه درس نظامی در آغاز قرن دوازدهم هـ.ق، به انتشار آثار میرداماد و شهرت او در هندوستان، شتابی بیشتر بخشید. تقریباً تمام چهره‌های شناخته شده در سنتهای متنی شرح العقائد العزیدیه شرح الهدایة الأثریة الشمس البازغة الزواهد الثلاثة و سلم العلوم، میرداماد را در جایگاه فیلسوفی صاحب‌مکتب پذیرفته و در مواجهه با نظریات او، موضع گرفته‌اند. این چهره‌ها با توجهی ویژه به متن الأفق المبین، القبسات و الإیماضات آراء میرداماد را در مسائل گوناگون منطقی، طبیعی و مابعدالطبیعی همچون «جعل بسیط ماهیت»، «حدوث دهری»، «اقسام هل بسیط»، «شبهه جذر اصم» و... مورد توجه قرار داده و به شرح و نقد آنها پرداختند؛ چنانکه نزاع بر سر دیدگاه‌های میر، در طول یک‌ونیم قرن، همواره یکی از مباحث اصلی در آثار اندیشمندان هندی بوده است.

این در حالی است که برخی محققان با تکیه بر مدعای مہجوریت فلسفه و غربت شخصیت علمی میرداماد، سهم چندانی برای او در تاریخ فلسفه اسلامی قائل نیستند. یافته‌های مقاله، این مدعا را با چالشی جدی مواجه میکند. تاریخ فلسفه و کلام اسلامی در هندوستان، از میانه قرن یازدهم تا پایان قرن دوازدهم هـ.ق، پیوندی ناگسستنی با آثار و آراء میرداماد دارد و اندیشمندان هندی، بسیاری از آراء خاص او را درخور شرح، بسط یا

۹۰



نقد دانسته‌اند؛ گویی، مهجوریتی در کار نیست و آنچه بنام «غربت» و با ادبیاتی ترحم‌آمیز به میرداماد نسبت داده میشود، در واقع «غفلتی» است که در بازشناسی امتداد فلسفه میرداماد در جغرافیای جهان اسلام، از محققان سر زده است.

پی‌نوشتها

۱. مراد از «هندوستان»، «شبه‌قاره» و «جنوب آسیا» در این مقاله، محدوده تاریخی این سرزمین، پیش از سال ۱۹۴۷ میلادی است که جغرافیای کنونی کشورهای هند، پاکستان، بنگلادش، سریلانکا و بخشهایی از افغانستان را دربرمیگیرد. «هندي» نیز بر اهالی هندوستان اطلاق میشود.
۲. نویسندگان جزئیات دوره‌های «انتقال» و «تثبیت» را در دو مقاله دیگر بررسی کرده‌اند؛ «واسطه‌های انتقال آثار و آراء میرداماد به هندوستان» (در دست انتشار) و «فلسفه میرداماد در هندوستان: از قرن سیزدهم تا میانه قرن چهاردهم هجری قمری» (در دست انتشار).
۳. مداخل این بخش تنها اندیشمندان متصل به سنت‌های متنی را دربرمیگیرند؛ درحالی‌که مواجهه اهل هندوستان با میرداماد، به این سنت‌ها محدود نمیشود. بعضی دیگر از اندیشمندان هندی نیز برغم جدایی از سنت‌های متنی، با آثار و آراء میرداماد ارتباطی وثیق داشته‌اند که در مجال مناسب درباره آنها سخن خواهیم گفت.
۴. سندیلوی پیش از نظام‌الدین سهالوی درگذشته، اما بسبب وابستگیش به درس نظامی و مدرسه فرنگی‌محل، پس از استاد معرفی شده است.

منابع

آزادبلگرامی، غلامعلی (۲۰۱۵م) سبحة المرجان فی آثار هندستان، تحقیق محمدسعید طریخی، بیروت: الرافدین.

اله‌آبادی، محمدبرکت بن عبدالرحمن (۱۲۴۹ق) رساله فی الحدوث الذاتی، کتابخانه رضا (رامپور)، نسخه شماره ۳۶۲۰.

_____ (بی‌تا) الحاشیة علی حاشیة شرح المواقف، کتابخانه رضا (رامپور)، نسخه شماره ۱۶۳۰.

اوجبی، علی (۱۳۸۳) «میرداماد: فیلسوف مشهور و گمنام»، آینه میراث، شماره ۲۶، ص ۵۸-۶۴.
اورنگ‌آبادی، غلام‌نورمحمد بن سعدالله (بی‌تا/الف) الحاشیة علی حاشیة الرسالة القطیبة، کتابخانه سالار جنگ (حیدرآباد)، نسخه شماره ۷۵ (منطق).

_____ (بی‌تا/ب) حاشیة شرح هدایة الحکمة، کتابخانه رضا (رامپور)، نسخه شماره ۳۵۳۶.

بهارى، غلام‌یحیی (۱۲۸۷ق) لواء الهدی فی اللیل و الدجی، کانپور: مطبع نظامی.

- _____ (بی تا) الحاشیہ علی شرح حمد اللہ علی سلم العلوم، لکھنؤ: مطبع محمدی۔
 بہاری، محب اللہ بن عبدالشکور؛ گوپاموی، محمد مبارک بن محمد دائم (۱۸۸۷م) سلم العلوم مع شرح
 القاضی مبارک و منہیاتہ کازان: المطبعة الملكية۔
 ثبوت، اکبر (۱۳۷۵) مدارس اسلامی ہند در طول تاریخ و جایگاہ فرہنگ ایران در آنہا، دہلی نو:
 رابزنی فرہنگی جمہوری اسلامی در ہند۔
 _____ (۱۳۷۸) «مقدمہ ای بر شرح الہدایہ صدرا»، نشریہ حوزہ، دورہ ۱۶، شمارہ ۹۲، ص ۲۵۰-۱۹۱۔
 _____ (۱۳۸۰) فیلسوف شیرازی در ہند، تہران: ہرمس۔
 جون پوری، ملامحمود بن محمد (۱۳۰۸ق) الشمس البازغہ، دہلی: مطبعة مصطفائی۔
 حبشی، عبداللہ محمد (بی تا) جامع الشروح و الحواشی، أبوظبی: المجمع الثقافی۔
 حسنی لکھنوی، عبدالحی (۱۴۰۳ق) الثقافة الإسلامية فی الہند (معارف العوارف فی أنواع العلوم و
 المعارف)، تحقیق علی حسنی ندوی، دمشق: مجمع اللغة العربية۔
 _____ (۱۴۲۰ق) نزهة الخواطر و بهجة المسامع و النواظر (الإعلام بمن فی تاریخ الہند من
 الأعلام)، مجموعہ ۸ جلدی، بیروت: دار ابن حزم۔
 خان، عبدالسلام (۱۹۹۶م) بر صغیر کے علمائے معقولات اور ان کی تصنیفات، پٹنہ: خدابخش اورینٹل
 پبلک لائبریری۔
 راہی، اختر (۱۹۷۸م) تذکرہ مصنفین درس نظامی، لاہور: مکتبہ رحمانیہ۔
 رحمانی، عبدالرحمن بن عبدالرسول (بی تا) الحاشیہ علی شرح العقائد العزیدیہ کتابخانہ ملی بریتانیا
 (لندن)، نسخہ شمارہ ۱۹۸۷ (دیوان الہند)۔
 سندیلوی، احمد علی بن فتح اللہ (۱۱۷۹ق) الحاشیہ علی حاشیہ الرسالة القطیعیہ کتابخانہ رضا (رامپور)،
 نسخہ شمارہ ۳۳۲۵۔
 _____ (بی تا/الف) شرح سلم العلوم، کتابخانہ سلطنتی (بوہار)، نسخہ شمارہ ۳۰۵۔
 _____ (بی تا/ب) الحاشیہ علی حاشیہ شرح التہذیب کتابخانہ رضا (رامپور)، نسخہ شمارہ ۳۳۶۹۔
 _____ (بی تا/ج) الحاشیہ علی حاشیہ شرح المواقف، کتابخانہ رضا (رامپور)، نسخہ شمارہ ۱۶۳۹۔
 سندیلوی، حمد اللہ بن شکر اللہ (۱۳۲۸ق) شرح سلم العلوم، کانپور: مطبع نظامی۔
 _____ (بی تا/الف) حاشیہ الشمس البازغہ، کتابخانہ رضا (رامپور)، نسخہ شمارہ ۳۶۱۹۔
 _____ (بی تا/ب) حاشیہ شرح ہدایہ الحکمتہ، کتابخانہ رضا (رامپور)، نسخہ شمارہ ۳۵۶۱۔
 سندیلوی، محمد اعلم بن محمد شاکر (بی تا/الف) الحاشیہ البسیطہ علی شرح ہدایہ الحکمتہ، کتابخانہ
 سلطنتی (بوہار)، نسخہ شمارہ ۳۳۵۔
 _____ (بی تا/ب) الحاشیہ الوسیطہ علی شرح ہدایہ الحکمتہ، کتابخانہ رضا (رامپور)، نسخہ شمارہ ۳۵۶۶۔

- _____ (بی/تاج) قسط اللیب و حظ الأذیب، کتابخانہ رضا (رامپور)، نسخہ شماره ۳۶۰۲.
- سہالوی، احمد عبدالحق بن محمد سعید (۱۲۴۲ق) سدة العلوم فی شرح سلم العلوم، کتابخانہ رضا (رامپور)، نسخہ شماره ۳۴۰۳.
- _____ (بی/تا) الحاشیة علی حاشیة شرح المواقف، کتابخانہ ملی (تہران)، نسخہ شماره ۲۱۴۳، ۱.
- سہالوی، کمال الدین بن محمد دولت (۱۲۵۳ق) العروة الوثقی، کتابخانہ رضا (رامپور)، نسخہ شماره ۱۷۸۲.
- _____ (۱۳۱۴ق) الحاشیة الکمالیة علی شرح العقائد العضدیة، لکھنؤ: مطبع یوسفی.
- سہالوی، محمد حسن بن غلام مصطفیٰ (۱۳۱۴ق) شرح سلم العلوم، لکھنؤ: مطبع یوسفی.
- _____ (بی/تالف) الحاشیة علی حاشیة شرح المواقف، کتابخانہ رضا (رامپور)، نسخہ شماره ۱۶۳۴.
- _____ (بی/تاب) حاشیة الشمس البازغة، کتابخانہ سلطنتی (بوہار)، نسخہ شماره ۳۳۴.
- _____ (بی/تاج) حاشیة شرح ہدایة الحکمة، کتابخانہ رضا (رامپور)، نسخہ شماره ۳۵۷۱.
- سہالوی، محمد ولی بن غلام مصطفیٰ (۱۱۴۷ق) الحاشیة علی حاشیة شرح التہذیب، کتابخانہ خدابخش (پتنہ)، نسخہ شماره ۳۵۳۷.
- _____ (۱۱۹۶ق) شرح سلم العلوم، کتابخانہ رضا (رامپور)، نسخہ شماره ۳۴۳۰.
- _____ (بی/تا) الحاشیة علی حاشیة شرح المواقف، کتابخانہ رضا (رامپور)، نسخہ شماره ۱۶۳۷.
- سہالوی، نظام الدین محمد بن قطب الدین (۱۱۷۴ق) حاشیة شرح ہدایة الحکمة، کتابخانہ سلطنتی (بوہار)، نسخہ شماره ۳۲۴، ۱.
- _____ (۱۳۱۴ق) الحاشیة النظامیة علی شرح العقائد العضدیة، لکھنؤ: مطبع یوسفی.
- _____ (بی/تا) حاشیة الشمس البازغة، کتابخانہ رضا (رامپور)، نسخہ شماره ۳۶۱۸.
- عباس رضوی، سید اطہر (۱۳۶۰) «تأثیر حکمت اشراق و فلسفہ میرباقر داماد و ملاصدرا در شبہ قارہ ہند و پاکستان»، جاویدان خرد، شماره ۸، ص ۲۷-۳۹.
- علوی، کرم اللہ (۱۳۱۴ق) حاشیة شرح العقائد العضدیة، لکھنؤ: مطبع یوسفی.
- قنوجی، محمد امجد بن فیض اللہ (۱۲۴۷ق) حاشیة شرح ہدایة الحکمة، کتابخانہ رضا (رامپور)، نسخہ شماره ۳۵۶۱.
- _____ (بی/تالف) حاشیة شرح ہدایة الحکمة، کتابخانہ رضا (رامپور)، نسخہ شماره ۳۵۶۴.
- _____ (بی/تاب) شرح سلم العلوم، کتابخانہ گنج بخش (راولپنڈی)، نسخہ شماره ۱۰۳۲۴.
- _____ (بی/تالف) الحاشیة علی حاشیة شرح المواقف، کتابخانہ رضا (رامپور)، نسخہ شماره ۱۶۲۸.
- _____ (بی/تا) الحاشیة علی حاشیة شرح التہذیب، کتابخانہ ملی (تہران)، نسخہ شماره ۲۸۳۷۲.

موسوى، موسى (١٣٩٣) «الداماد: الفيلسوف المغمور»، البلاغ، شماره ٤، ص ٣٧-٤٢.
ندوى، محمداسماعيل (١٩٧٠م) تاريخ الصلات بين الهند و البلاد العربية، بيروت: دار الفتح.
هروى، محمدزاهد بن محمداسلم (١٢٩٣ق) حاشية شرح المواقفه لكهنو: مطبع منشى نول كشور.
_____ (١٣٠٥ق) حاشية شرح التهذيب تصحيح عباس بلغارى جيلستانى، كازان: المطبعة الملكية.
_____ (١٤٢٠ق) شرح الرسالة المعمولة فى التصور و التصديق، تصحيح مهدي شريعتى، قم:
مكتبة الشهيد شريعتى.

Ahmad, M. G. Z. (1946). The contribution of Indo-Pakistan to Arabic literature (from ancient times to 1857). Jullundur: Maktaba-i Din-o-Danesh.
Ahmed, A. Q. (2013). Post-classical philosophical commentaries/glosses: innovation in the margins. *Oriens*. vol. 41, no. 3-4, pp. 317-348.
----- (2020). The Mawāqif of 'Aḡdud al-Dīn al-Ījī, in India. A. Shihadeh & J. Thiele (eds.). *philosophical theology in Islam*. Leiden: Brill, pp. 397-412.
----- (2022). Palimpsests of themselves: logic and commentary in postclassical Muslim South Asia, Oakland, CA: University of California Press.
Corbin, H. (1964). *Histoire de la philosophie islamique*. Paris: Gallimard.
El-Rouayheb, Kh. (2019). *The development of Arabic logic (1200–1800)*. Basel: Schwabe Verlag.
Rizvi, S. H. (2011). Mīr Dāmād in India: Islamic philosophical traditions and the problem of Creation. *Journal of the American Oriental Society*. vol. 131, no. 1, pp. 9-23.